

فراغت و ارزش‌های فرهنگی

مریم رفعت‌جاه^۱

استادیار گروه انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۰۹/۱۰

چکیده

یکی از عرصه‌های مهمی که در مطالعات اجتماعی و پژوهش‌های فرهنگی برای شناخت تحولات ارزشی و نگرشی و سبک‌های جدید زندگی مورد توجه قرار می‌گیرد عرصه فراغت است، زیرا به سبب در برداشتن الزامات کمتر و آزادی عمل بیشتر می‌تواند ارزش‌ها و نگرش‌ها و ذائقه‌های فرهنگی را بازنمایی کند. از این‌رو مطالعه و پژوهش در اوقات فراغت جوانان که نسلی پیشرو و نمایانگر روند تغییرات فرهنگی جامعه هستند هم برای شناخت این روندها و هم برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی ضروری می‌نماید. در این راستا هدف اصلی این پژوهش مطالعه الگوهای فراغت دانشجویان غیر تهرانی و شناخت مسائل و مشکلات اوقات فراغت آنان است. مطالعه چگونگی گذران اوقات فراغت دانشجویان و شناسایی عوامل احتمالی مؤثر در آن به ما کمک می‌کند تا بتوانیم نیازها و علایق فراغتی آنان را شناخته و کمبودها و مشکلات فراغتی را در این گروه با دقت بیشتری بررسی کنیم. این مطالعه بر روی نمونه‌ای احتمالی از دانشجویان دختر و پسر خوابگاهی دانشگاه تهران انجام گرفته و یافته‌های آن حاکی از آن است که در گذران اوقات فراغت، دختران بیشتر به شیوه‌های فعالانه و پسران بیشتر به شیوه‌های سرگرمی‌خواهانه گرایش دارند. به طور کلی میزان استفاده دانشجویان پسر از امکانات فراغتی خوابگاه، به مراتب بیشتر از دختران بوده است. بیش از نیمی از دانشجویان از نحوه گذران اوقات فراغت خود ناراضی بوده و مهم‌ترین دلیل نارضایتی آنها محدودیت امکانات تفریحی و مشکلات مالی بوده اما محرومیت از امکانات تفریحی در دختران و محدودیت‌های مالی در پسران بیشتر ذکر شده و در مجموع دانشجویان دختر با مشکلات فراغتی بیشتری مواجه بوده‌اند. همچنین شیوه گذران اوقات فراغت دانشجویان با برداشت آنان از فراغت، ارزش‌ها و نگرش‌ها، سبک زندگی، میزان پایبندی دینی و میزان برنامه‌ریزی آنها برای فراغت ارتباط دارد.

واژه‌های کلیدی: ارزش‌ها و نگرش‌ها، برداشت از فراغت، پایبندی دینی، سبک زندگی، مدیریت بدن.

مقدمه و طرح مسئله

اوقات فراغت و نحوه گذران آن از مباحث جدیدی است که پس از انقلاب صنعتی و رشد صنایع و فناوری، توجه جامعه‌شناسان را برانگیخته و به موضوع مهمی در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی تبدیل شده و امروزه به‌عنوان یک خواست گروهی و یک ارزش اجتماعی در جامعه مطرح است. با این حال افراد مختلف تعابیر و درک متفاوتی از اوقات فراغت دارند. عده‌ای آن را وقت آزادی می‌دانند برای استراحت کردن و به آن به صورت منفعل نگاه می‌کنند؛ عده‌ای دیگر فراغت را معادل تفریح در نظر می‌گیرند. در این بین افرادی هم هستند که به اوقات فراغت به صورت فعالانه نگاه می‌کنند و آن را زمانی برای شکوفایی استعدادهایشان به‌شمار می‌آورند. ژوفر دومازدیه فراغت را مجموعه‌ای از مشغولیت‌ها می‌داند که فرد بعد از آزاد شدن از ضرورت‌های شغلی، خانوادگی و اجتماعی، برای رضایت خاطر خود برمی‌گزیند و شامل استراحت، تفریح، و یا توسعه دانش و توانایی‌های فرد می‌شود (دومازدیه، ۱۳۵۲: ۱۵).

اگرچه درباره اینکه آیا زمان فراغت صرفاً خاص جامعه صنعتی است یا در همه تمدن‌ها و دوران‌های مختلف وجود داشته اختلاف نظر وجود دارد اما درباره اهمیت یافتن اوقات فراغت، بیشتر نظریه‌پردازان عرصه فراغت اتفاق نظر دارند که با دگرگونی نظام اجتماعی در دوران گسترش صنعت، اشتغال حالتی سازمان یافته پیدا کرد و ساعات کار معین شد. اما این نوع نظام کاری سبب نگرانی صاحب‌نظران شد، نگرانی از بی‌روح شدن و ابزار شدن انسان؛ بنابراین برای رهایی انسان از دام خودبیگانگی و برای شکوفا شدن سایر ابعاد وجودی او حیطه‌های غیرکاری زندگی انسان و اوقات فراغت مطرح شد و اهمیت پیدا کرد. جامعه‌شناسی اوقات فراغت نیز در چنین زمینه‌ای ظهور کرد. اگرچه شرایط کاری نظام صنعتی در اثر عوامل مختلف بهبود یافت و از نگرانی‌های اولیه کاسته شد اما اوقات فراغت و کیفیت گذران آن اهمیت خود را حفظ کرد، در مطالعات اجتماعی مورد توجه واقع شد و از حیطه کارگران صنعتی فراتر رفته، سایر قشرهای جامعه را نیز دربرگرفت. امروزه فراغت در کشورهای توسعه‌نیافته و غیرصنعتی نیز شبیه فراغت در جوامع صنعتی شده است (نجم عراقی، ۱۳۸۲: ۱۰). از جمله نشانه‌های آن جدا شدن فراغت از فعالیت‌های اجباری و فاصله گرفتن آن از اجبارهای اجتماعی - فرهنگی است. جامعه‌شناسان زندگی انسان را به سه بخش تقسیم می‌کنند، کار (اشتغال درآمدها)، کارهای ضروری روزمره (زمانی که برای خواب و خوراک و بهداشت صرف می‌شود) و اوقات





فراغت. در این میان نحوه استفاده از اوقات فراغت و چگونگی گذران آن در گروه‌های مختلف مردم به‌ویژه جوانان، نمایانگر پیدایش تغییرات ارزشی و سبک‌های جدید زندگی است. جوانان به‌عنوان پیشگامان تغییرات اجتماعی در هر جامعه‌ای جلوه‌ای از آینده نزدیک و دور جامعه کنونی هستند. تحولاتی که در سال‌های اخیر در درون جامعه و در خارج از مرزهای آن رخ داده، تغییر در سبک زندگی آنها را نیز به دنبال داشته است. از آنجاکه اوقات فراغت یکی از مؤلفه‌های مهم سبک زندگی است، یکی از عرصه‌های مهمی که در مطالعات اجتماعی و پژوهش‌های فرهنگی برای شناخت تحولات ارزشی و نگرشی و سبک‌های جدید زندگی مورد توجه قرار می‌گیرد، عرصه فراغت است زیرا این عرصه به سبب دربرداشتن الزام‌های کمتر و آزادی عمل بیشتر، می‌تواند ارزش‌ها و نگرش‌ها و ذائقه‌های فرهنگی را بازنمایی کند؛ از این‌رو مطالعه و پژوهش در اوقات فراغت جوانان که نسلی پیشرو و نمایانگر روند تغییرات فرهنگی جامعه هستند هم برای شناخت این روندها و هم برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی ضروری می‌نماید.

برداشت افراد از فراغت و نحوه گذران اوقات فراغت برحسب شرایط اجتماعی و تاریخی و دوره زندگی متفاوت است اما در غالب جوامع و در شرایط اجتماعی مختلف، اوقات فراغت به طور بالقوه در قشر جوان آسیب‌هایی را نیز در بر دارد. در دوران معاصر، افزایش سال‌های تحصیل و دیررسی ورود انسان به بازار کار و افزایش سن ازدواج، دوران نسبتاً طولانی‌ای را در زندگی انسان‌ها پدید آورده که جوانی خوانده می‌شود. انسان جدید از کودکی مستقیماً به بزرگسالی قدم نمی‌گذارد بلکه دوره‌ای میانی را طی می‌کند که با نبود یا کمی مسئولیت‌ها مترادف است و در آن اوقات فراغت سهم بزرگی دارد. در این دوران رفتارهایی از فرد سر می‌زند که همه آنها مورد تأیید جامعه نیست و بعضاً رفتارهای انحرافی به‌شمار می‌آید. در رفتارهای فراغتی بسته به سن، جنس، طبقه اجتماعی و سبک زندگی و گرایش دینی می‌توان الگوهای را مشاهده کرد که الگوهای فراغتی افراد را تشکیل می‌دهند و الگوهای فراغتی نامناسب به خصوص در قشر جوان می‌تواند آنها را از چارچوب‌های پذیرفته‌شده در جامعه دور ساخته و آسیب‌هایی را در این گروه اجتماعی موجب شود. طبیعی است که ممکن است سایر اقشار نیز با این مشکلات مواجه باشند اما از آنجاکه ایران با میانگین سنی ۱۶ سال در زمره جوان‌ترین کشورها قرار دارد (سلگی، ۱۳۸۱: ۳۹)، توجه به این قشر و الگوها و مشکلات فراغتی مربوط بدان ضروری‌تر می‌نماید. توجه خاص به فراغت جوانان و ایجاد امکانات برای



گذران اوقات فراغت آنها می‌تواند نقش مؤثری در بهبود زندگی آنان و همین‌طور سازندگی جامعه داشته باشد. تحقیقات متعدد در این زمینه نشان می‌دهد بسیاری از تفریحات انحرافی در اثر کمبود امکانات تفریحی و ناآگاهی و برنامه‌ریزی و اجرای صحیح سیاست‌های اجتماعی رواج می‌یابد و چه بسا مبنایی برای بروز کج‌روی در این قشر فراهم آورد (سلگی، ۱۳۸۱: ۳۹). تحقیقات انجام‌شده در زمینه بررسی علل آسیب‌های اجتماعی در میان جوانان نشان می‌دهد بیکاری و نداشتن برنامه برای اوقات فراغت، نداشتن تحرک و فعالیت‌های سالم و مورد علاقه جوانان، تأثیر بسزایی در گرایش آنها به رفتارهای آسیبی دارد و اینجاست که حساسیت برنامه‌ریزی اوقات فراغت جوان، نمود پیدا می‌کند (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۹).

در کشور ما مسئله الگوی فراغت دانشجویان از جمله مهم‌ترین مسائلی است که باید شناخته شود تا بر اساس آنها امکان برنامه‌ریزی اجتماعی و سیاست‌گذاری میسر شود. با توجه به اینکه ایران جمعیتی جوان دارد و دانشجویان گروه خاصی از این جمعیت را تشکیل می‌دهند، بررسی حاضر را می‌توان مقدمه‌ای بر شناخت جامعه‌شناسانه الگوی فراغت دانشجویان و چشم‌انداز آینده آن دانست که بی‌تردید در سایر ابعاد حیات اجتماعی نسل جوان مؤثر است.

آنچه به زمان فراغت معنا می‌بخشد چگونگی صرف آن در مکان‌ها و فضاهای فراغتی است. اما زمان فراغت و فضای فراغت دائماً در تغییر است و بر سر بهره‌مندی از زمان فراغت و فضاهای فراغتی بیشتر، کشمکشی دائمی وجود دارد. چگونگی گذران فراغت از سویی با زمان و فضای فراغتی در دسترس ارتباط دارد و از سوی دیگر به آزادی‌ها و محدودیت‌های اجتماعی مربوط می‌شود که در اقبال مختلف جامعه و از جمله در دانشجویان اشکال گوناگونی از محدودیت و فشار را نشان می‌دهد. این کشمکش‌ها و فشارها به شکل‌گیری الگوهای جدید فراغت می‌انجامد. بر این اساس قصد ما، شناخت الگوهای فراغت و مشکلات فراغتی دانشجویان غیر تهرانی مقیم خوابگاه است. از آنجاکه الگوهای فراغتی دانشجویان با ارزش‌های فرهنگی و روندهای اجتماعی موجود پیوند خورده، شناخت این مقوله‌ها می‌تواند مبنای مناسبی برای تحلیل تغییرات فرهنگی و اجتماعی نوپدید، و در عین حال گامی باشد در جهت بهبود زندگی دانشجویان به‌ویژه آنهایی که از خانواده دورند و نیازمند توجه و مراقبت بیشتری هستند.

مطالعه چگونگی گذران اوقات فراغت دانشجویان و شناسایی عوامل احتمالی مؤثر در آن به ما کمک می‌کند تا بتوانیم نیازها و علایق فراغتی آنان را بر اساس ضرورت‌های روحی، روانی و جسمانی آنان شناخته و کمبودها و مشکلات فراغتی را در این گروه با دقت بیشتری

بررسی کنیم. آگاهی از مشکلات فراغتی و کاستی‌هایی که در زمینه تسهیلات فراغتی چه در خوابگاه‌های دانشجویی و چه در کل جامعه وجود دارد برای برنامه‌ریزی‌های جامع فرهنگی ضروری است.

در این راستا این مقاله سعی دارد به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. فراغت در ذهن افراد مورد مطالعه اساساً چه معنایی دارد؟
۲. زمان فراغت دانشجویان خوابگاه چقدر است و آن را چگونه سپری می‌کنند؟
۳. دختران و پسران دانشجو از نظر نحوه گذران اوقات فراغت چه تفاوتی دارند؟
۴. مشکلات فراغتی عمده پسران و دختران دانشجو در خوابگاه چیست؟
۵. اوقات فراغت افراد مورد مطالعه تحت تأثیر چه عواملی قرار دارد؟

مروری بر منابع پژوهشی

در زمینه گذران اوقات فراغت تا به امروز پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی متعددی در ایران به نگارش درآمده اما از میان آنها پژوهش‌های زیر تا اندازه‌ای به موضوع این مطالعه نزدیک است: شفیعی در مطالعه‌ای بر روی اوقات فراغت زنان (۱۳۸۳) میزان اوقات فراغت و درون‌خانگی یا برون‌خانگی بودن فراغت و میزان رضایتمندی زنان را از اوقات فراغتشان مورد مطالعه قرار داد. بر اساس نتایج این پژوهش، میزان اوقات فراغت زنان و میزان رضایتمندی آنان از فراغتشان با چگونگی تقسیم کار در خانه، پایگاه اجتماعی - اقتصادی زن و میزان قدرت تصمیم‌گیری او، رابطه مستقیم و با تعداد فرزندان خردسال او رابطه معکوس دارد.

اشرف‌الکتابی نیز طی پژوهشی (۱۳۷۹) تغییراتی را که طی سه نسل در زمینه چگونگی گذران اوقات فراغت در خانواده‌های شهر تهران ایجاد شده، مورد مطالعه قرار داد. در این طرح گذران اوقات فراغت به شکل مقایسه‌ای هم میان جنس‌های مختلف و هم در سه نسل مختلف از یک خانواده مورد مطالعه قرار گرفته، و حتی نسل سوم نیز متأهل انتخاب شده‌اند. بر اساس نتایج تحقیق، مفهوم اوقات فراغت در جامعه روستایی، سنتی و در جامعه شهری - صنعتی تغییر فراوان کرده و به نظر می‌رسد فراغت به‌عنوان نهاد تازه‌ای که کارکردهای اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی دارد در جامعه شکل گرفته است. همچنین الگوی فراغت سه نسل با یکدیگر تفاوت دارد و متغیرهای جنسیت، سن، میزان تحصیلات، شغل و پایگاه اقتصادی - اجتماعی بر نحوه گذران اوقات فراغت تأثیر می‌گذارد.





پژوهش دیگری توسط انصاری (۱۳۷۹) با نام اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی بر روی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی انجام گرفته است. بر اساس نتایج این پژوهش، درآمد و نوع شغل پدران، میزان دسترسی فرد به امکانات فراغتی و سطح تحصیلات والدین با نحوه گذران اوقات فراغت ارتباط مستقیم دارد. همچنین ارزش‌ها و نگرش‌ها و اعتقادات دینی در نوع گذران فراغت افراد مؤثر است. به علاوه در گروه دارای موقعیت اقتصادی - اجتماعی پایین، اوقات فراغت درون خانگی و نارضایتی از اوقات فراغت بیشتر از سایر گروه‌ها بوده است.

پژوهش چهارم طرحی پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان» است که توسط گروهی از پژوهشگران در سازمان ملی جوانان انجام گرفته است. علت نزدیکی موضوع این طرح با پژوهش حاضر در پرداختن به جوانان ۱۸ تا ۲۴ سال است. در این پژوهش فعالیت‌های اجرایی سازمان‌های مرتبط با اوقات فراغت در مقطع زمانی ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ با روش آماری و کمی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. هدف سازمان ملی جوانان در اجرای این طرح، بالا بردن سطح آگاهی و شناخت افراد جامعه به‌ویژه مسئولان نسبت به موضوع فراغت و ایجاد زمینه مشارکت ملی برای پرداختن به موضوع فراغت جوانان از یک سو و جلب مشارکت جوانان در مراحل سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های اوقات فراغت از سوی دیگر عنوان شده است. این پژوهش جنبه توصیفی داشته و فاقد بُعد تبیینی است.

شهیدی زندی نیز طی پژوهشی پیمایشی (۱۳۸۶) فعالیت‌های فراغتی دختران جوان دانشجوی و به‌ویژه اوقات فراغت آسیب‌زا را در این کشور مورد مطالعه قرار داده است. بر اساس نتایج این پژوهش، بین سبک زندگی، ارزش‌ها و نگرش‌ها، استفاده از رسانه‌های غیررسمی و میزان پایبندی دینی با نحوه گذران اوقات فراغت ارتباط وجود دارد. همچنین میزان اطلاع خانواده با نحوه گذران اوقات فراغت، رابطه معناداری را نشان می‌دهد. یعنی هرچه سبک زندگی و ارزش‌ها و نگرش‌ها غرب‌گراتر و میزان پایبندی به دین و اطلاع خانواده از نحوه گذران فراغت فرد کمتر باشد، احتمال گذران اوقات فراغت به شیوه آسیب‌زا بیشتر خواهد بود.

همچنین علی‌اصغر سعیدی در سال ۱۳۸۷ پژوهشی در پژوهشکده مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به منظور شناخت مسائل و مشکلات اوقات فراغت دانشجویان انجام داده است. طبق نتایج این بررسی، دانشجویان در برنامه‌ریزی اوقات فراغت خود با مشکلات اساسی مواجه هستند. همچنین فراغت بیش از هفتاد درصد دانشجویان در فضاهای سرپسته سپری می‌شود که عمدتاً غیرفعال است و می‌تواند غیر قابل کنترل و



آسیب‌زا شود. همچنین بین وضعیت موجود و وضعیت مورد انتظار اوقات فراغت دانشجویان، شکاف وجود دارد و این امر بیشتر به دلیل موانع مالی و کمبود آزادی در انتخاب فراغت است. همچنین دانشجویان امکانات فراغتی موجود را با شأن دانشجویی و نیازشان متناسب نمی‌دانند و از این رو خواستار آن هستند که خودشان متولی اصلی برنامه‌های فراغتی خود باشند. پیشنهاد محقق آن است که سیاست‌گذاران فراغت دانشجویی با افزایش تسهیلات و امکانات و ترویج فراغت‌های برون‌گرایانه و جمع‌گرا و مشارکت دادن خود دانشجویان در برنامه‌ریزی فراغت‌شان، چالش‌های ناشی از فراغت‌های منفعلانه و درون‌گرایانه را کاهش دهند.

«بررسی سبک‌های زندگی فراغتی در بین دانشجویان کشور و عوامل همبسته با آن‌ها» نیز عنوان پژوهشی است که عباس کاظمی در سال ۱۳۸۷ در پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی انجام داده است در این کار که در سطح ملی انجام گرفته الگوهای فراغتی دانشجویان کشور مورد بررسی قرار گرفته و تشریح شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش از میان سبک‌های مختلف گذران اوقات فراغت، در میان سبک‌های فراغتی، گرایش دانشجویان به سبک رسانه‌محور بیشتر از سایر سبک‌ها بوده و محتوای مصرف رسانه‌ای دانشجویان نیز بیشتر سرگرمی‌محور بوده تا آموزش‌محور. از سوی دیگر دانشجویان کمترین تمایل و علاقه‌ای نسبت به سبک‌های اجتماع‌محور و سیاست‌محور نشان داده‌اند. سبک‌های فراغتی تفریح‌محور و ورزش‌محور نیز با اقبال کمی مواجه بوده و کمترین همبستگی را با سبک رسانه‌محور دارد که نشان می‌دهد استفاده از رسانه موجب می‌شود اجتماع‌گریزی و انزواجویی در جوانان دانشجویان تقویت شود. محقق در پایان اضافه می‌کند سیمای دانشجویی که در این پژوهش به دست آمده، سیاست‌زدایی شده، متمایل به سرگرمی و در پی لذت و علاقمند به فعالیت‌های فراغتی فردی است. به عبارت دیگر فراغت‌های دانشجویان بسیار فردی شده، انفعالی، خانگی، رسانه‌محور و اغلب بدون برنامه است.

مروری بر منابع نظری

از آنجاکه مفهوم فراغت دارای معانی متعددی است جا دارد پیش از طرح برخی از نظریه‌های مهم مربوط به آن، خود این مفهوم را مورد واکاوی قرار دهیم. فراغت را گاه در معنای زمان آزاد به کار برده‌اند و گاه به معنای فعالیت‌های آزادانه و دلخواه در نظر گرفته‌اند. دومازدیه^۱ با توجه به گوناگونی معنای فراغت و فعالیت‌های فراغتی، سه کارکرد برای اوقات فراغت برشمرده است:

1. Dumazdier J.



الف) اولین هدف و کارکرد اوقات فراغت، استراحت و رفع خستگی است. فراغت این فرصت را به آدمی می‌دهد که خستگی کار را از تن خود بیرون کند؛ زیرا این خستگی مطابق آهنگ طبیعی زیست‌شناسانه انسان به وی تحمیل می‌شود؛

ب) کارکرد دیگر اوقات فراغت، تفریح و سرگرمی است. تفریح، دنیایی تازه، چه واقعی و چه خیالی، در برابر آدمی می‌گشاید که آدمی می‌تواند از خستگی روزانه ناشی از انجام یک رشته فعالیت محدود و تکراری به سوی آن فرار کند.

ج) فراغت به فرد امکان رشد و خودشکوفایی می‌دهد و برای فرد فرصتی فراهم می‌کند تا کارهای تکراری را که از سوی نهادهای اجتماعی بر وی تحمیل می‌شود، پشت سر گذارد و به حوزه‌ای پا گذارد که در آن نیروهای آفریننده‌اش، آزادانه بتوانند با ارزش‌های مسلط تمدنش به مخالفت برخیزند یا آنها را تقویت کنند.

فراغتی که نتواند این سه کارکرد را در هر زمان فراهم کند، فراغتی است که در جامعه امروزی از حیث نیازهای شخصیت انسان ناقص تلقی می‌شود (دومازدیه، ۱۳۵۲: ۱۹).

علاوه بر کارکردهای یادشده، یکی از مهم‌ترین کارکردهای مربوط به اوقات فراغت را رشد «فکری و فرهنگی» دانسته‌اند. کارکرد فکری و فرهنگی، تنها کارکردی است که با تمام کارکردهای دیگر اوقات فراغت، رابطه متقابل و نزدیک و تفکیک‌ناپذیر دارد (کوهستانی و خلیل‌زاده، ۱۳۷۸: ۶۸).

تورستاین وبلن^۱ که یکی از صاحب‌نظران پیشگام در عرصه فراغت است و فراغت را به‌عنوان موضوعی مستقل مورد مطالعه و تبیین قرار داده، درباره تغییر نقش و کارکرد فراغت در جامعه جدید نظریه پردازی کرده است. در نظریه او مصرف و فراغت چشمگیر (و نمایشی) راهی است برای نمایاندن منزلت و موقعیت اجتماعی بالا که توسط آن انسان‌ها تلاش می‌کنند تا در چشم دیگران برتر جلوه کنند و بدان وسیله برای خودشان نیز ارزش بیشتری قائل شوند. آداب و روش‌های زندگی طبقات بالا با فراغت و مصرف چشمگیر همراه است. مصرف و فراغت چشمگیر، لزوماً منحصر به افرادی نیست که برای دستیابی به مقام و موقعیت بلندمرتبه با دیگران رقابت می‌کنند بلکه بستگان این افراد از جمله همسران و خدمت‌گزاران آنها هم می‌توانند با این نوع سبک زندگی و فراغت، منزلت سرورانشان را به نمایش بگذارند. به نظر وبلن، در جوامع مدرن، مصرف چشمگیر (متظاهرانه) و سبک زندگی مبتنی بر رفاه و فراغت، سراسر ساختار

1. Torstein Veblen



اجتماعی را فرا گرفته است. در چنین فرهنگ‌های رقابت‌آمیزی، افراد طبقات پایین‌تر تلاش می‌کنند تا با الگو قرار دادن سبک زندگی و فراغت طبقه بالاتر و تظاهر به فراغت‌های مدرن، به احترام و منزلت اجتماعی بیشتری دست یابند (وبلن، ۱۳۸۳، کوزر، ۱۳۸۰: ۳۶۲).

نظریه‌پردازان مکتب فرانکفورت نیز در انتقادهایی که بر جامعه سرمایه‌داری و سلطه فرایندهای اقتصادی بر عرصه‌های مختلف زندگی مردم از جمله بر عرصه فراغت وارد کرده‌اند، دیدگاهی مشابه با وبلن اتخاذ کرده و به گونه دیگری نشان می‌دهند که چگونه فراغت از معنا و مقصد خود فاصله گرفته و تحت الزام‌ها و اجبارهای اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته است. برای مثال از نظر آدورنو به‌رغم افزایش ظاهری آزادی انتخاب در جوامع سرمایه‌داری، در واقع سلطه فرهنگی و روابط محاسبه‌گرایانه و سودجویانه افزایش یافته است. آزادی و افزایش زمان فراغت توهمی بیش نیست؛ زیرا مردم در جامعه سرمایه‌داری تحت تسلط «صنعت فرهنگ و نیازهای فرهنگی ساختگی» قرار دارند. اوقات فراغت به صورت کالا تولید و تحویل بازارهای پرمشتری می‌شود. آزادی انتخابی که از طریق بازارهای اوقات فراغت ارائه می‌شود، به‌هیچ‌وجه حق انتخاب به‌شمار نمی‌آید. در واقع افراد در دام مصرف‌گرایی و سرمایه‌داری گرفتار آمده‌اند. آدورنو^۱ و هورکهایمر^۲، فراغت‌های مصرفی و سرمایه‌دارانه را ابزاری برای سلطه بیشتر می‌شمارند و مؤسسه‌های فراغتی را مؤسساتی می‌دانند که مردم را به طرف اشکال قابل قبول اوقات فراغت و بازتولید ساختار اجتماعی سوق می‌دهد (هورکهایمر و آدورنو، ۱۳۸۰ و هی‌وود، ۱۳۸۰: ۳۳۶-۳۳۵).

در این دیدگاه، یکی از موضوعات مهم برای شناخت اوقات فراغت این است که مقاومت در برابر نابرابری‌های سرمایه‌داری، از طریق نظرها و اندیشه‌های طبقه مسلط و کنترل‌های فرهنگی، خنثی شده و از مسیر خود منحرف می‌شود. طبقه حاکم، افراد را از طریق هژمونی سیاسی و فرهنگی به طرف مصرف هرچه بیشتر سوق می‌دهد. بدین سان اوقات فراغت نیز به صورت کالایی قابل مصرف درمی‌آید. «صنعت فرهنگ» برای مردم تفریحات توده‌ای همراه با مصرف و خرید را فراهم می‌آورد و اینها به نیازهای کاذبی تبدیل می‌شود که نیروی محرکه آن از طریق تبلیغات و نمایش «کاخ‌های مصرف» تأمین می‌شود (هورکهایمر و آدورنو، ۱۳۸۰ و هی‌وود، ۱۳۸۰: ۳۵۴-۳۵۳).

1. Adorno
2. Horkheimer



گرین^۱ نیز همچون ویلن و آدورنو نگاهی انتقادی به فراغت‌های مدرن دارد. او علاوه بر تحلیل نقش عوامل اقتصادی در اوقات فراغت بر تأثیر عوامل دیگری همچون جنسیت تأکید می‌کند. از نظر او مفهوم «سرمایه‌داری پدرسالارانه» مشخصه مهمی برای توضیح چگونگی شکل‌گیری و محدود کردن فرصت‌های تفریحی افراد است. گرین معتقد است برای تحلیل فراغت زنان، گذشته از ساختارهای سیاسی و فرهنگی باید به مناسبات خانوادگی آنها به‌ویژه مسائل مربوط به مراحل زندگی و نقش‌های چندگانه و متداخل زنان که نقش مهمی در فهم الگوهای فراغتی آنها دارد توجه کرد. از نظر وی اوقات فراغت مانند آفتاب‌پرست، با تغییر شرایط و جدیت رقابیش رنگ عوض می‌کند. نقش‌های جنسیتی یکی از این رقباست که گرین معتقد است نقش مهمی در مطالعات فراغت بازی می‌کند و از محدودیت‌های آشکار فراغت زنان می‌توان به کمبود زمان و کمبود فضاها و امکانات فراغتی و در نتیجه محدودیت گزینه‌های فراغت اشاره کرد. اگرچه جنسیتی شدن حوزه اجتماعی بر طیف فعالیت‌های تفریحی مؤثر بوده اما حتی تفریحات درون منزل نیز با جنسیت در ارتباط است:

«زنان وقت کمتری برای اوقات فراغت دارند. در فعالیت‌های فراغتی، کمتر شرکت می‌جویند و دامنه گزینه‌های فراغتی آنان محدودتر است. همچنین از آنان انتظار می‌رود بیشتر اوقات فراغت خود را در خانه و خانواده بگذرانند». در هر سه عامل کلیدی مذکور، یعنی وقت، فعالیت و فضا، زنان وضعیت نامساعدی دارند. وقت زنان برای فراغت محدود است. فضاهای فیزیکی و اجتماعی که در آن می‌توانند به فعالیت‌های فراغتی بپردازند، محدود است و در واقع گزینه‌های فراغتی آنان محدود است (گرین، ۱۹۹۰: ۱۳۶).

برای مثال در مورد فضا، تعداد مؤسساتی که زنان می‌توانند آزادانه به آنها مراجعه کنند، بسیار کمتر از موارد مشابه برای مردان است. غالب فضاهای فراغتی مانند مراکز ورزشی و تفریحی تحت نظارت مردان قرار دارد. علاوه بر این، زنان در مورد دسترسی به وسایل حمل و نقل خصوصی نیز با محدودیت و مشکل روبه‌رو هستند. محدودیت‌های فضایی - زمانی، دامنه‌گزینه‌های فعالیت‌های فراغت زنان را بسیار محدود می‌کند، البته به این عوامل، عامل مادی را هم باید افزود. بسیاری از دختران و زنان معمولاً از لحاظ «درآمد قابل مصرف» به مردان خانواده وابسته‌اند (گرین، ۱۹۹۰: ۱۹۲-۱۹۰).

پی‌یر بوردیو تحقیقات متعددی درباره فعالیت‌های اوقات فراغت و سبک‌های زندگی انجام داد تا نشان دهد در نظام‌های سلطه، چگونه نابرابری‌های طبقاتی بازتولید می‌شود. بوردیو معتقد



است اگرچه بسیاری از تفاوت‌های مربوط به نحوه گذران اوقات فراغت ربطی به طبقه اجتماعی، اقتصادی ندارد، اما پرورش شخص در خانواده و طبقه‌ای خاص، بر انتخاب اوقات فراغت او بسیار تأثیرگذار است. از نظر وی، علایق، سلیقه‌ها، خواست‌ها و برداشت‌های مربوط به فراغت، در دوران کودکی در درون خانواده‌ها و محیط اجتماعی پیرامون آن فرا گرفته می‌شود (جنکینز، ۱۳۸۵).

با توجه به «نظریه تجربه» بوردیو، تجربه‌های دوران کودکی، منجر به «ترکیب و شکل‌گیری منش» می‌شود. این ترکیب «نظامی از حالات و خواست‌های قابل انتقال» است که به‌عنوان مجموعه‌ای از ادراک‌ها، سلیقه‌ها، علایق، احساسات و کنش‌ها عمل می‌کند و راهی است برای درک جهان و تمیز فعالیت‌های مناسب و نامناسب. «خواست‌های قابل انتقال» یعنی سلیقه‌ها و علایق مربوط به فراغت، به سلیقه‌ها و علایقی بستگی دارد که در فعالیت‌های دیگر بروز می‌کند. «منش» بر اساس تجربیات کودکی شکل گرفته و در ذهن جایگیر می‌شود و از آنجاکه از اوایل کودکی در ذهن قرار گرفته، به طور ناخودآگاه عمل می‌کند و نمی‌توان چیزی را به صورت کامل جایگزین آن کرد. بنابراین، «شرایط وجودی»، آن دسته از شرایط خانوادگی و طبقاتی است که شخص در آنها به دنیا می‌آید و منجر به مجموعه‌ای از موارد «شرطی‌سازی»، و به سیستمی از خواست‌ها (منطق تجربه) تبدیل می‌شود. این حالت از نظر بوردیو، بنیادی است که سبک زندگی و فراغت بر پایه آن شکل می‌گیرد. همان «منطق تجربه»، به طور ناخودآگاه در تمام سلیقه‌ها و علایق و فعالیت‌های فراغتی، از ورزش و هنر گرفته تا عضویت باشگاه‌ها و انجمن‌ها و رفتن به مسافرت در ایام تعطیل و فعالیت‌های غیررسمی مانند استفاده از برنامه‌های وسایل ارتباط جمعی و فراغت‌های خانه‌محور، عمل می‌کند. البته احتمال دارد سلیقه‌ها و فعالیت‌های تجربیات بعدی، تغییر یابد ولی از نظر بوردیو، چنین گزینه‌ای طبق منطق ساختاری «ترکیب منش» عمل می‌کند.

«منش» دارای شالوده‌ای است که تمام گزینه‌های فراغت بر آن بنا نهاده شده و افراد از طریق شکل گرفتن «منش» به طیفی از «شایستگی‌های فرهنگی» یا «سرمایه فرهنگی» دست می‌یابند که انواع خاصی از فعالیت‌های اوقات فراغت را کم‌وبیش در اختیارشان قرار می‌دهد یا امکان‌پذیر می‌سازد. بوردیو بر اساس همین فرضیه تجربی، چگونگی عملکرد گزینه‌ها در فراغت را توضیح می‌دهد. به بیان وی، فعالیت‌های فراغت، در واقع «حوزه‌ای از امکانات وابسته به شایستگی‌های فرهنگی» است. در این حوزه، انواع گوناگون فعالیت‌های فراغت و فضاهای مختلف (اعم از باشگاه‌های خصوصی یا تسهیلات عمومی) و رویکردهای گوناگونی که فرد احتمالاً ممکن است بپذیرد، یافت می‌شود. همه اینها به شخص امکان انتخاب می‌دهد



و البته این گزینه‌ها بستگی به شرایط ویژه‌ای دارد که در اختیار شخص است. از طرف دیگر، اهمیت فعالیت‌ها، فضاها و شیوه‌های خاص، وابسته به «توزیع» اجتماعی آنهاست؛ به این معنا که افراد، انتخاب‌های خود را با توجه به آگاهی‌هایی که در مورد گزینه‌های سایر افراد دارند، انجام می‌دهند. بعضی فعالیت‌ها، شیوه‌ها و فضاها به آسانی قابل دسترس و «متعارف» هستند؛ درحالی‌که بعضی دیگر به علت کمیابی، گرانبها، متمایز و به نسبت غیر قابل دسترس هستند. غیر قابل دسترس بودن، هم مربوط به عوامل مادی و هم مربوط به شایستگی‌های ویژه و مورد نیاز آنهاست؛ بنابراین ممکن است دو فعالیت متفاوت مثل رفتن به تئاتر و موزه یا رفتن به مسابقه فوتبال، الزاماً از نظر هزینه متفاوت نباشند، ولی متمایز بودن فعالیت‌ها، مربوط به شایستگی فرهنگی لازم برای درک و انتخاب آن است. از این‌رو طرفداری از تئاتر، نشانه تمایز بین عالی، پیش پا افتاده و معمولی است (هی وود و همکاران، ۱۳۸۰: ۳۵۸-۳۵۶).

بنابراین نظریه بوردیو را که بر اساس آن گزینش اوقات فراغت پویا بوده و بر تجربه‌های زندگی فرد و منش او یعنی، علایق و ارزش‌ها و برداشت از فراغت و شایستگی‌های فرهنگی مبتنی است در جملات زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱. افراد با توجه به تجربه‌های اوان زندگی خویش خواست‌های ویژه و متفاوتی پیدا می‌کنند که بعدها به برداشت، سلیقه و علاقه تبدیل می‌شود.
۲. این خواست‌ها قابلیت نقل مکان دارد، یعنی در تمام اشکال فعالیت فراغت و مصرف‌گرایی خودنمایی می‌کند.
۳. افراد از نظر برداشتی که از فراغت و از فعالیت‌های فراغتی دارند با همدیگر متفاوت‌ند.
۴. سبک‌ها و فعالیت‌های گوناگون نیاز به انواع متفاوتی از شایستگی فرهنگی دارد.
۵. گزینه‌های فراغت از علایق و سلیقه‌ها که وسیله‌ای برای تمایز و تشخیص هستند، سرچشمه می‌گیرد (هی وود و همکاران، ۱۳۸۰: ۳۶۰).

چارچوب نظری تحقیق

اوقات فراغت یکی از عرصه‌های مهم زندگی و مصرف در دنیای جدید است زیرا از سویی با سبک زندگی و انتخاب دلخواهانه رفتارها ارتباط دارد و از سوی نمایانگر سلیقه، علایق و اولویت‌های ارزشی است.

هرچند فراغت همواره با پایگاه اجتماعی - اقتصادی ارتباط داشته اما در جامعه مصرفی



جدید چگونگی مصرف و فراغت اهمیت بیشتری در نمایاندن منزلت و موقعیت اجتماعی افراد پیدا کرده است زیرا در جوامع امروزی مصرف چشمگیر و سبک زندگی مبتنی بر رفاه و فراغت، سراسر ساختار اجتماعی را فرا گرفته است و افراد طبقات پایین‌تر تلاش می‌کنند تا با الگو قرار دادن سبک زندگی و فراغت طبقه بالاتر و تظاهر به فراغت‌های مدرن، به احترام و منزلت اجتماعی بیشتری دست یابند.

در نتیجه در جوامع سرمایه‌داری بر اثر سلطه فرایندهای اقتصادی بر عرصه‌های مختلف زندگی مردم فراغت از معنا و مقصد خود فاصله گرفته و تحت الزام‌ها و اجبارهای اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته است و به رغم افزایش زمان فراغت از کار و مواجه شدن انسان‌ها با سبک‌های گوناگون زندگی و فراغت، در عمل انتخاب آزادانه تحقق نمی‌یابد و جریان‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در این انتخاب‌ها دخالت می‌کنند. صنعت فرهنگ با تولید نیازهای فرهنگی و شکل دادن به سلیقه‌ها و علایق مردم، اوقات فراغتی را تولید کرده و رواج می‌دهد که با ارزش‌های زیربنایی سرمایه‌داری و منافع آن سازگار باشد. اما این فرایندها به جوامع صنعتی و مدرن منحصر نمی‌شود و در اثر فرایند جهانی‌سازی به کشورهای توسعه‌نیافته نیز راه می‌یابد.

در سطح میانه اگرچه امروزه اوقات فراغت دیگر صرفاً با جایگاه طبقاتی تبیین نمی‌شود و عوامل فرهنگی در تحلیل فراغت نقش برجسته‌ای دارد اما پرورش شخص در خانواده و طبقه‌ای خاص، بر انتخاب اوقات فراغت او بسیار تأثیرگذار است. علایق، سلیقه‌ها، خواست‌ها و برداشت‌های مربوط به فراغت، در دوران کودکی در درون خانواده‌ها و محیط اجتماعی پیرامون آن فرا گرفته می‌شود. تجربه‌های دوران کودکی به شکل‌گیری «منش» منتهی می‌شود. «منش» قابل انتقال بوده و به منزله مجموعه‌ای از ادراک‌ها، سلیقه‌ها، علایق، احساسات و کنش‌ها عمل می‌کند و راهی است برای درک جهان و تمیز فعالیت‌های مناسب و نامناسب. «خواست‌های قابل انتقال» یعنی سلیقه‌ها و علایق مربوط به فراغت، به سلیقه‌ها و علایقی که در فعالیت‌های دیگر بروز می‌کند، بستگی دارد. بنابراین «منش»، مبتنی بر شرایط وجودی یعنی شرایط خانوادگی و طبقاتی فرد و همراه با نظامی از ارزش‌ها و خواست‌هاست. این بنیادی است که سبک زندگی و فراغت بر پایه آن شکل می‌گیرد و به طور ناخودآگاه در تمام سلیقه‌ها و علایق و فعالیت‌های فراغتی، از ورزش و هنر گرفته تا عضویت باشگاه‌ها و انجمن‌ها و رفتن به مسافرت در ایام تعطیل و فعالیت‌های غیررسمی، مانند استفاده از برنامه‌های وسایل ارتباط جمعی و فراغت‌های خانه‌محور، بروز می‌کند.



در سطح خرد، «منش»^۱ دارای شالوده‌ای است که تمام گزینه‌های فراغت بر آن بنا نهاده شده و افراد از طریق شکل گرفتن «منش» به طیفی از «شایستگی‌های فرهنگی» یا «سرمایه فرهنگی» دست می‌یابند که انواع خاصی از فعالیت‌های اوقات فراغت را کم‌وبیش در اختیارشان قرار می‌دهد یا امکان‌پذیر می‌سازد که می‌توان چگونگی گزینش‌ها را در فراغت توضیح داد. به بیان دیگر، فعالیت‌های فراغت، در واقع «حوزه‌ای از امکانات وابسته به شایستگی‌های فرهنگی» است که شرایط اجتماعی و فرهنگی فرد در اختیارش می‌گذارد. در این حوزه، انواع گوناگون فعالیت‌ها و فضاهای فراغت و رویکردهای گوناگونی یافت می‌شود که فرد احتمالاً ممکن است بپذیرد. همه اینها به شخص امکان انتخاب می‌دهد و البته این گزینه‌ها بستگی به شرایط ویژه‌ای دارد که در دسترس و در اختیار شخص است. بعضی فعالیت‌ها، شیوه‌ها و فضاها به آسانی قابل دسترس و «متعارف» هستند؛ در حالی که بعضی دیگر به نسبت غیر قابل دسترس هستند. غیر قابل دسترس بودن، هم به عوامل مادی و هم به شایستگی‌های ویژه و مورد نیاز آنها مربوط است؛ بنابراین ممکن است دو فعالیت متفاوت مثل رفتن به تئاتر و موزه یا رفتن به مسابقه فوتبال، الزاماً از نظر هزینه متفاوت نباشند، ولی متمایز بودن فعالیت‌ها، مربوط به شایستگی فرهنگی لازم برای درک و انتخاب آن است. شایستگی‌های فرهنگی مبتنی بر میزان بهره‌مندی فرد از سرمایه فرهنگی است.

در کنار عوامل کلی ذکر شده و با وجود همه تغییراتی که امروزه در معنا و کارکرد فراغت پدید آمده هنوز هم جنسیت یکی از تقسیمات اصلی و عوامل تأثیرگذار در دنیای فراغت است و تأثیر آن به وضوح در جنبه‌های مختلف فعالیت‌های فراغتی به چشم می‌خورد. تمایز در فراغت در دل دیدگاه کلی جامعه درباره جنسیت و جایگاه آن در دنیا قرار دارد و عوامل متعددی در این قشر بندی جنسیتی دخالت می‌کنند.

زنان وقت کمتری برای اوقات فراغت دارند. در فعالیت‌های فراغتی، کمتر شرکت می‌جویند و دامنه گزینه‌های فراغتی آنان محدودتر است. همچنین از آنان انتظار می‌رود بیشتر اوقات فراغت خود را در خانه و با خانواده بگذرانند. به لحاظ سه عامل کلیدی در فراغت یعنی وقت، فعالیت و فضا، زنان وضعیت نامساعدتری دارند زیرا وقت آنان برای فراغت محدود است، فضاهای فیزیکی و اجتماعی که در آن می‌توانند به فعالیت‌های فراغتی بپردازند، محدود است و در واقع گزینه‌های فراغتی آنان محدود است.

علاوه بر این زنان در مورد دسترسی به وسایل حمل و نقل خصوصی نیز، با محدودیت و

مشکل روبه‌رو هستند. محدودیت‌های فضایی - زمانی، دامنه‌گزینش فعالیت‌های فراغت زنان را بسیار محدود می‌کند، البته به این عوامل، باید عامل مادی را نیز افزود. بسیاری از دختران و زنان معمولاً از لحاظ «درآمد قابل مصرف» به مردان خانواده وابسته‌اند.

بنابراین باید تفاوت‌های جنسیتی مربوط به اوقات فراغت را در تفاوتی که به لحاظ زمان، فضا و درآمد قابل مصرف جهت اوقات فراغت بین زنان و مردان وجود دارد، جست‌وجو کرد.

روش تحقیق

فراغت موضوعی است که شامل معناها و تعاریف متعددی است و ارتباط تنگاتنگی با ارزش‌ها و نگرش‌ها، اعتقادات و نوع نگاه انسان به زندگی دارد. چگونگی گذران فراغت از سویی از ارزش‌ها و سلايق فردی و از سوی دیگر از فرهنگ جامعه و امکانات فراغتی تأثیر می‌پذیرد. لذا مانند غالب موضوعات اجتماعی هم دارای عوامل عینی و قابل مشاهده بیرونی است و هم واجد ابعاد اعتقادی و درونی است. در نتیجه برای شناخت همه‌جانبه آن ضروری است که با مجموعه‌ای از روش‌های کمی و کیفی مورد مطالعه قرار گیرد. کاربرد همزمان این دو روش علاوه بر اینکه نتایج کاربردی برای بهبودبخشی به اوقات فراغت دانشجویان به دست می‌دهد سبب افزایش اعتبار و قابلیت اعتماد یافته‌های پژوهش نیز می‌شود.

در این تحقیق برای به دست آوردن شناختی اولیه از جامعه مورد مطالعه (دانشجویان پسر و دختر دانشگاه تهران که در خوابگاه‌های امیرآباد شمالی سکونت دارند) ابتدا بر روی یک نمونه نمایا از دانشجویان، مطالعه‌ای پنهانگر به روش پیمایشی انجام گرفت که در آن برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. بیشتر سؤال‌های پرسشنامه به صورت مقیاس‌های چندگویه‌ای مطرح شده که علاوه بر بالا بردن میزان پاسخگویی، امکان شناخت مقاصد ذهنی و به‌کارگیری آزمون‌های پیشرفته آماری را فراهم می‌سازد.

در کنار پرسشنامه، از مصاحبه نیمه‌ساخت یافته برای گردآوری داده‌های تکمیلی و پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش بهره گرفتیم. در این مصاحبه‌ها امکان طرح و شناخت جنبه‌هایی از موضوع که در کار پیمایشی امکان‌پذیر نبود، فراهم آمد. کاربرد دو روش به صورت موازی باعث شد سؤال‌های پرسشنامه با بصیرت بیشتری طراحی شود، به علاوه مصاحبه‌ها نیز در پرتو داده‌های حاصل از کار پنهانگر پیمایشی که شامل نمونه‌ای نمایا از جامعه مورد مطالعه است، بهتر سامان یافته و مورد تحلیل قرار گیرد.



جامعه آماری و شیوه نمونه‌گیری

کار پیمایشی جامعه آماری شامل دانشجویان پسر و دختر دانشگاه تهران در مقطع کارشناسی است که در خوابگاه‌های خیابان کارگر شمالی سکونت دارند. خوابگاه‌های پسران که کوی دانشگاه تهران نامیده می‌شود، دارای ۱۹ ساختمان است و حدود ۴۴۰۰ دانشجوی در آن سکونت دارند.

خوابگاه‌های دختران که به فاطمیه موسوم است ۵ ساختمان دارد. خوابگاه فاطمیه ۵ مختص دانشجویان دوره کارشناسی ارشد است. از این رو تنها خوابگاه‌های فاطمیه ۱ تا ۴ دختران در بررسی ما جای گرفته‌اند. در این خوابگاه‌ها حدود ۱۶۰۰ دانشجوی دختر ساکن هستند. در نتیجه جامعه آماری، مجموع دانشجویان پسر و دختر در خوابگاه‌های کوی دانشگاه و فاطمیه یعنی ۶۰۰۰ نفر را شامل می‌شود.

حجم نمونه در پژوهش حاضر از طریق فرمول کوکران و به شرح زیر برآورد شده است:

$$n = \frac{Nt^2 S^2}{Nd^2 + t^2 S^2}$$

در این فرمول، n حجم جمعیت نمونه، N جامعه آماری و d دقت احتمالی مطلوب، t

ضریب اطمینان و S انحراف معیار است (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۱۲۹).

در اینجا جامعه آماری موجود یا N برابر با ۶۰۰۰ بوده و سطح اطمینان ۹۵ درصد در نظر گرفته شده است. در نتیجه ضریب اطمینان یعنی t بر اساس جدول توزیع منحنی نرمال معادل ۱/۹۶ خواهد بود. مقدار اشتباه در برآورد نمونه یعنی d معادل با ۰/۰۶ و انحراف معیار یعنی S بر اساس متغیر اصلی تحقیق که شیوه گذران اوقات فراغت بوده است، بیشتر از آنچه در آزمون اولیه نشان می‌داد یعنی معادل ۰/۵ در نظر گرفته شده است. با احتساب موارد فوق حجم

جمعیت نمونه یا n مساوی خواهد بود:

$$n = \frac{6000 \times 3/84 \times 0/25}{6000 \times 0/0036 + 3/84 \times 0/25} = 242$$

برای سهولت مقایسه پسران و دختران، نسبت آنها را در نمونه تقریباً مساوی و برای جبران پرسشنامه‌های ناقص تعداد نمونه را ۲۵۰ در نظر گرفتیم. در نهایت پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های ناقص ۲۴۲ نفر باقی ماندند که ۱۱۸ نفر آنها دختر و ۱۲۲ نفر پسر هستند.

مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته با همان افرادی که پرسشنامه‌ها را پاسخ داده‌اند انجام گرفت. از این رو نتایج حاصل از مصاحبه‌ها به غنی‌تر شدن و تکمیل داده‌های حاصل از پرسشنامه کمک شایانی کرده است.



مفاهیم و محورهای پژوهش و چگونگی مطالعه آنها

موضوع اصلی مورد مطالعه در این تحقیق اوقات فراغت دانشجویان است. فراغت در زبان فارسی به معنای آسودگی و آسایش است و معمولاً در مقابل مشغولیت‌ها و درگیری‌های روزانه به کار می‌رود. در فرهنگ معین فراغت به معنای آسایش و استراحت و فراغت داشتن به منظور آسوده بودن و آرامش داشتن است (سلگی، ۱۳۸۱: ۳). در زبان انگلیسی فراغت برگردان اصطلاح (leisure) و از واژه لاتین (licere) است. اگرچه در برخی فرهنگ‌های فارسی-انگلیسی از جمله در فرهنگ لغات حییم، leisure به وقت آزاد نیز ترجمه شده اما باید به تفاوتی که میان «فراغت» و «وقت آزاد» وجود دارد توجه کرد. وقت آزاد هم وقت فراغت را دربرمی‌گیرد و هم تمام فعالیت‌هایی را که خارج از حوزه کار قرار دارند. کارهای ضروری روزمره مانند غذا خوردن، خوابیدن، مراقبت‌های بهداشتی و امور نظیر آن را که در وقت آزاد انجام می‌گیرد، نمی‌توان جزء فراغت به‌شمار آورد (دومازیه، ۱۳۵۲: ۱۶-۸).

اوژه^۱ پایه‌گذار فرهنگ لاروس اوقات فراغت را سرگرمی‌ها و تفریحات و فعالیت‌هایی معرفی کرده که افراد به هنگام آسودگی از کار عادی با شوق و رغبت به آن می‌پردازند (بهنام، ۱۳۴۸: ۳۰۰).



در این پژوهش ما تعریف دومازیه از فراغت را به سبب جامعیت بیشتر، برگزیده‌ایم. او فراغت را شامل مجموعه فعالیت‌هایی می‌داند که شخص به میل خود، برای استراحت، تفریح، آموزش و یا افزایش خلاقیت و رشد جسمی و روانی خود، در زمانی فارغ از تعهدات شغلی، خانوادگی و اجتماعی انجام می‌دهد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۸۲۴).

مفاهیم و نحوه سنجش متغیرها

میزان فراغت دانشجویان در روز و در هفته، پرسش اول پرسش‌نامه است که برای یکسان‌سازی چارچوب مرجع سؤال ابتدا منظور خود را از آن بیان کرده و سپس میزان فراغت دانشجویان در شبانه‌روز و در هفته به صورت یک پرسش باز مطرح شده و به سه مقوله تقسیم و در سطح ترتیبی سنجیده شده است.

شیوه گذران اوقات فراغت با توجه به مطالعات و مصاحبه‌های اکتشافی، در قالب یک طیف لیکرت مطرح شده است. این طیف دارای ۱۴ گویه زیر و پاسخ‌های آن دارای ۶ گزینه بوده است.



۱. استراحت و دراز کشیدن
۲. تماشای تلویزیون
۳. گوش دادن به موسیقی
۴. خواندن روزنامه و مجله
۵. مطالعه کتاب
۶. شرکت در کلاس‌های هنری (تئاتر، موسیقی، نقاشی، خطاطی و...)
۷. صحبت‌های تلفنی
۸. معاشرت با دوستان
۹. ورزش (تنیس، والیبال، بدن‌سازی، شنا و...)
۱۰. تماشای فیلم از طریق ویدئو یا ماهواره
۱۱. رفتن به کلاس‌های آموزشی (زبان، کامپیوتر)
۱۲. رفتن به پاساژها و مراکز خرید برای تفنن
۱۳. رفتن به تئاتر و سینما
۱۴. گردش و تفریح در پارک یا در طبیعت

بر اساس تحلیل عاملی، این گویه‌ها به ۴ شیوه عمده گذران فراغت شامل شیوه منفعلانه فردی گذران فراغت، شیوه فرهنگی گذران فراغت، شیوه سرگرمی خواهانه گذران فراغت و شیوه فعالانه و برون‌گرای گذران فراغت تقسیم شده است.

برای سنجش این متغیر در سطح ترتیبی، گویه‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۷ و ۸ و ۱۰ و ۱۲ را رکود کرده این مقیاس را که از شیوه‌های منفعلانه و فردی گذران فراغت تا شیوه‌های فعالانه و جمعی در تغییر است، به چهار مقوله منفعلانه، نسبتاً منفعلانه، نسبتاً فعالانه و فعالانه تقسیم کرده‌ایم.

ارزش‌ها و نگرش‌ها

معنای فراغت و چگونگی گذران اوقات فراغت تا اندازه زیادی تحت تأثیر ارزش‌ها و نگرش‌ها شکل می‌گیرد و با دگرگون شدن آن نیز دستخوش تغییر می‌شود. از این رو در این پژوهش برای شناخت ارزش‌ها و نگرش‌ها و آگاهی از ارتباط آن با اوقات فراغت هم در پرسش‌نامه و هم در مصاحبه پرسش‌های متعددی را مطرح کردیم. متغیرهایی که برای بررسی این محور در پرسشنامه مطرح شده عبارتند از:



۱. نگرش به ازدواج

برای شناخت نگرش فرد به ازدواج معیارهای او را برای انتخاب همسر جویا شده و در یک طیف دوازده‌گویه‌ای که دارای شش گزینه اصلاً تا خیلی زیاد و دارای گویه‌های زیر بوده سنجیده شده است:

۱) اخلاق خوب (۲) میزان تحصیلات (۳) ایمان و اعتقاد مذهبی (۴) درآمد و شرایط مادی خوب (۵) طبقه اجتماعی خانواده (۶) مسئولیت‌پذیری (۷) خانه شخصی (۸) ماشین شخصی (۹) شغل مناسب (۱۰) نجابت و پابندی اخلاقی (۱۱) وضعیت ظاهری فرد (زیبایی، تیپ و...) (۱۲) تشابه قومیتی و فرهنگی.

بعد از کدگذاری مجدد گویه‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۶ و ۱۰ و ۱۲ (معیارهای فرامادی) این متغیر که دارای همبستگی آلفای ۰/۷۳ است به چهار مقوله فرامادی، نسبتاً فرامادی، نسبتاً مادی گرایانه و مادی گرایانه تقسیم شده است.

۲. اهمیت امکانات و وسایل زندگی

این متغیر نمایانگر ارزش امکانات مادی در نظر فرد است و توسط یک مقیاس پنج‌گویه‌ای نظر فرد را در مورد ضرورت برخورداری از این امکانات جویا شده‌ایم. این گویه‌ها شامل کامپیوتر شخصی، خانه مستقل، اتومبیل شخصی، تلفن همراه و ماهواره و دارای شش گزینه اصلاً تا خیلی زیاد بوده است. همبستگی آلفای گویه‌های یادشده معادل ۰/۷۲ بوده و روایی بالای این شاخص را نشان می‌دهد.

۳. نگرش به روابط آزاد با جنس مخالف

این متغیر توسط یک طیف که دارای سه گویه و ۴ گزینه از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف است مطرح شده و گویه‌ها عبارتند از:

- دوستی نزدیک و رفت‌وآمد دخترها و پسرها با هم هیچ اشکالی ندارد.
 - داشتن دوست پسر یا دختر برای فرد اشکال ایجاد می‌کند و در فرهنگ مانیز پذیرفته شده نیست.
 - داشتن روابط عاشقانه با جنس مخالف در صورتی که قصد ازدواج در بین نباشد شرعاً حرام است.
- همبستگی آلفای این گویه‌ها ۰/۷۹ و مؤید روایی قابل توجه این شاخص است.

۴. اهمیت مدیریت بدن در نظر فرد

این متغیر توسط دو سؤال که یکی نظر فرد را درباره جراحی‌های زیبایی و دیگری اهمیت آراستگی بدن را می‌پرسد، سنجیده شده است.

۵. آزادی‌گرایی در رفتارهای اجتماعی

این متغیر بُعد دیگری از ارزش‌ها و نگرش‌ها را نشان می‌دهد و در قالب یک مقیاس که توسط شش گویه آزادی‌گرایی در نحوه لباس پوشیدن، برگزاری جشن‌ها و مهمانی‌های مختلط، گوش دادن به موسیقی دلخواه، تماشای فیلم‌های دلخواه، تماشای برنامه‌های ماهواره، و استفاده از سایت‌های گوناگون اینترنتی را می‌سنجد مطالعه شده است. ضریب همبستگی آلفای این گویه‌ها ۰/۹۱ است و روایی بالای این شاخص را نشان می‌دهد.

۶. سبک خرید و مصرف

بر اساس مطالعات نظری و پژوهش‌های پیشین سبک زندگی با نحوه گذران اوقات فراغت ارتباط تنگاتنگی دارد. در دوره جدید که فرهنگ مصرفی گسترش یافته، چگونگی خرید و مصرف به‌ویژه در زمینه پوشاک، به یکی از نشانه‌های سبک زندگی و تشخیص اجتماعی تبدیل شده است. از این‌رو برای شناخت چند و چون تأثیر این عامل بر نحوه گذران فراغت، از پاسخگو پرسیده‌ایم در خرید لباس و پوشاک تا چه اندازه به موارد شش‌گانه: راحتی، مناسب بودن قیمت، مد روز بودن، زیبایی، دوام، و تک و منحصر به فرد بودن اهمیت می‌دهد. پاسخ‌ها شامل چهار گزینه از خیلی کم تا خیلی زیاد بوده است.

تحلیل عاملی گویه نشان می‌دهد گویه‌های ۱ و ۲ و ۵ یعنی راحتی، مناسب بودن قیمت و دوام، روی یک عامل بار می‌شوند و گویه‌های ۳ و ۴ و ۶ یعنی مد روز بودن، زیبایی و تک و منحصر به فرد بودن، روی عامل دیگری بار می‌شوند. از این رو به گویه‌های ۱ و ۲ و ۵ نمره‌ای بر عکس سایر گویه‌ها داده‌ایم. در نتیجه هرچه نمره فرد در این مقیاس بیشتر باشد سبک خرید او مدگرایانه‌تر است. سپس نمرات این طیف به سه مقوله کاربردگرا، بینابین و مدگرا تقسیم شده است.

۷. پایبندی دینی

یکی از عوامل مهم مؤثر بر نحوه گذران فراغت، ارزش‌های دینی و پایبندی به دین است. برای مطالعه این عامل برای ابعاد مناسبی (رفتاری)، پیامدی و اعتقادی شش پرسش مطرح شده است.

در بعد مناسبی میزان پایبندی به حجاب اسلامی (برای دختران)، روزه و نماز و دعا و نیایش و در بعد پیامدی دین تأثیر دینداری را در زندگی روزمره فرد در قالب یک طیف شش‌گویه‌ای که دارای چهار گزینه از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف بوده مورد سنجش قرار داده‌ایم. این گویه‌ها عبارتند از:





۱. دینداری دست و پای انسان را می‌بندد و مانع پیشرفت انسان می‌شود.
 ۲. آدم‌های دیندار کمتر دچار مفسد و انحراف‌های اخلاقی می‌شوند.
 ۳. دین و ایمان یکی از مهم‌ترین راه‌های غلبه بر مشکلات زندگی است.
 ۴. عقاید مذهبی افراد امری شخصی و مربوط به خودشان است و رفت‌وآمد و دوستی با کسانی که عقاید غیرمذهبی دارند هیچ اشکالی ندارد.
 ۵. دینداری به قلب پاک است ولو اینکه آدم اعمال مذهبی (روزه و نماز) را انجام ندهد.
 ۶. دست دادن زن و مرد نامحرم هنگام سلام و خداحافظی هیچ اشکالی ندارد.
- متغیر پایبندی به دین بعد از ترکیب این شاخص‌ها به چهار مقوله کم، نسبتاً کم، نسبتاً زیاد و زیاد تقسیم شده است. ضریب همبستگی آلفای شاخص‌های متغیر دینداری معادل ۰/۷۹ و مؤید روایی بالای این متغیر است.

۸. میزان استفاده از امکانات فراغتی خوابگاه

میزان استفاده از امکانات فراغتی خوابگاه استفاده یا عدم استفاده دانشجویان از این امکانات را مورد سنجش قرار می‌دهد. امکانات یادشده موارد زیر را شامل می‌شود:

سالن ورزشی (سوله)، سالن مطالعه، باشگاه بدن‌سازی، سالن تلویزیون، سالن آمفی تئاتر (سینما)، زمین چمن مصنوعی مجتمع فرهنگی (کلاس‌های فوق برنامه فنی، حرفه‌ای و هنری)، سایت کامپیوتر، محوطه خوابگاه، جهاد دانشگاهی و دفتر بسیج.

محورهای مصاحبه

در مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته پرسش‌های زیر را محور قرار داده‌ایم:

۱. به نظر شما اوقات فراغت چه معنایی دارد؟
۲. دوست دارید در کارها و رفتارهایتان شبیه چه کسی باشید؟
۳. در مسائل و موضوعات مهم زندگی نظر چه کسی برایتان اهمیت دارد؟
۴. به نظر شما مهم‌ترین عامل خوشبختی و احساس رضایت در زندگی چیست؟
۵. اگر خداوند بخواهد فقط یکی از آرزوهای شما را برآورده کند، از خدا چه می‌خواهید؟
۶. چقدر از نحوه گذران فراغت خود راضی هستید و چرا؟
۷. در زمینه اوقات فراغت، چه مشکلات و مسائلی دارید؟
۸. به نظر شما اوقات فراغت باید چگونه سپری شود و چه کارکردی داشته باشد؟

نتایج تحقیق

ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دانشجویان

به لحاظ سنی، حدود سه چهارم دانشجویان در گروه سنی ۲۱ تا ۲۴ سال قرار دارند. میانگین سنی پاسخگویان مورد بررسی معادل ۲۳/۴ بوده است. از نظر رشته تحصیلی، حدود ۷۰ درصد دانشجویان خوابگاهی مورد مطالعه در رشته‌های علوم انسانی، ۲۰ درصد در رشته‌های فنی، مهندسی و بقیه در سایر رشته‌ها به تحصیل مشغول هستند. به لحاظ وضعیت اشتغال تنها ۱۵ درصد دانشجویان مورد بررسی شاغل و ۷ درصد آنها متأهل بوده‌اند. خلاصه آنکه میانگین سنی دانشجویان ۲۳ سال، رشته تحصیلی غالب آنها علوم انسانی، ۱۵ درصد آنان شاغل و ۷ درصد آنان متأهلند و وضعیت درسی دختران به مراتب بهتر از پسران است.

معنای اوقات فراغت از نظر دانشجویان

فراغت از نظر غالب دانشجویان یعنی زمان انجام کارهای دلخواه، استراحت و کسب آرامش اما برای بیشتر دختران، فراغت یعنی زمانی برای انجام امور دلخواه و برای بیشتر پسران فراغت یعنی زمانی برای کسب آرامش.

قریب به نیمی از دانشجویان، اوقات فراغت را زمانی برای رسیدن به آرامش و یکسوم آنان اوقات فراغت را زمان «انجام کارهای دلخواه» و «استراحت» تعریف کرده‌اند. شمار کمی از دانشجویان نیز اوقات فراغت را زمانی برای پرداختن به اموری که موجب رشد و تعالی شود، دانسته‌اند.

میزان اوقات فراغت دانشجویان

اوقات فراغت حدود نیمی از دانشجویان در شبانه روز بین دو تا چهار ساعت بوده و یکسوم آنها کمتر از سه ساعت در شبانه روز فراغت دارند. دانشجویان پسر و دختر ساکن خوابگاه، از نظر مدت زمان اوقات فراغت (چه در طول شبانه‌روز و چه در طول هفته) تفاوت چندانی با یکدیگر نداشته‌اند.

شیوه‌های گوناگون گذران اوقات فراغت

شیوه گذران فراغت، بر اساس تحلیل عاملی به چهار مقوله اسمی منفعلانه و فردی، فرهنگی، سرگرمی خواهانه، و خلاقانه تقسیم شده است.

الف) شیوه منفعلانه و فردی: «تماشای تلویزیون» و «استراحت»، معرف‌های شاخص گذران اوقات فراغت به شیوه منفعلانه و فردی هستند. طبق داده‌های به دست آمده بیش از ۶۰ درصد دانشجویان خوابگاهی ترجیح می‌دهند اوقات فراغت خود را بدین گونه سپری کنند.





ب) شیوه فرهنگی: نسبت قابل توجهی از دانشجویان علاقه دارند اوقات فراغت خود را به شیوه فرهنگی (مطالعه کتاب و نشریات) بگذرانند. در مجموع ۶۹ درصد دانشجویان خوابگاهی علاقه‌مندند اوقات فراغت خود را با مطالعه پُر کنند و ۳۱ درصد آنها تمایل چندانی به مطالعه اظهار نکرده‌اند. بین دانشجویان دختر و پسر، از این نظر تفاوتی وجود نداشته است.

پ) شیوه سرگرمی خواهانه: هرچند دانشجویان مورد مطالعه در مجموع تمایل به شیوه سرگرمی خواهانه گذران فراغت (اموری از قبیل گوش دادن به موسیقی، صحبت تلفنی، معاشرت با دوستان، رفتن به مراکز خرید) نسبتاً کم بوده، اما علاقه دانشجویان پسر خوابگاهی به شیوه سرگرمی خواهانه گذران فراغت به مراتب بیشتر از دانشجویان دختر بوده و این نتیجه را می‌توان به کل خوابگاه‌های مورد مطالعه تعمیم داد.

ت) شیوه خلاقانه و جمعی: بررسی علاقه دانشجویان به پُر کردن اوقات فراغت با شیوه‌های خلاقانه و جمعی (شرکت در کلاس‌های هنری، رفتن به تئاتر و سینما، ورزش‌های گروهی و...) حاکی از آن است که ۳۶ درصد به میزان کم، ۳۲ درصد نسبتاً کم، ۲۴ درصد نسبتاً زیاد و ۷ درصد تا اندازه زیادی به این شیوه تمایل دارند. حدود دوسوم دانشجویان مورد بررسی تمایل کم و یک‌سوم آنها تمایل زیادی به فراغت‌های خلاقانه و جمعی نشان داده‌اند. از نظر گرایش و علاقه به فراغت‌های خلاقانه و جمعی بین دختران و پسران تفاوت وجود دارد، به طوری که دختران بیشتر از پسران به فراغت‌های خلاقانه و جمعی علاقه‌مندند. این نتیجه را می‌توان به جامعه آماری نیز تعمیم داد. خلاصه آنکه دختران به شیوه‌های فعالانه و خلاقانه و پسران به شیوه سرگرمی خواهانه گذران اوقات فراغت گرایش بیشتری دارند.

بالاتر بودن پایگاه اقتصادی، اجتماعی دانشجویان دختر

حدود سه‌چهارم دانشجویان، دارای پایگاه اقتصادی متوسط و متوسط پایین بوده و درصد بسیار کمی از آنها در پایگاه پایین و بالا قرار دارند. علاوه بر این، دانشجویان دختر و پسر به لحاظ پایگاه اقتصادی - اجتماعی با یکدیگر تفاوت معناداری دارند. به عبارت دیگر در خوابگاه‌های مورد مطالعه، پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانشجویان دختر بالاتر از دانشجویان پسر بوده است.

بیشتر بودن هزینه ماهانه اوقات فراغت پسران

قریب به سه‌چهارم دانشجویان، ماهانه کمتر از ۳۰ هزار تومان برای اوقات فراغت خود صرف می‌کنند. با این همه نسبت دانشجویان پسر که برای فراغت خود بیش از ۵۰ هزار تومان در ماه هزینه می‌کنند، قدری بیشتر از دانشجویان دختر است.

تفاوت گروه مرجع دانشجویان پسر و دختر

یکی از عواملی که در گزینه‌های فراغتی انسان تأثیر دارد گروه مرجع است. بسیاری از ما دوست داریم کارها و رفتارهایمان شبیه کسانی باشد که آنها را به نوعی برتر و موفق‌تر از خودمان می‌دانیم. بیشتر دانشجویان مورد مطالعه، خودانگاره قوی داشته و در پاسخ به سؤال دوست دارید مثل چه کسی باشید، گفته‌اند هیچ‌کس، دوست دارم خودم باشم. با این همه بین گروه مرجع دانشجویان دختر و پسر خوابگاهی تفاوت قابل توجه و معناداری وجود دارد و در حالی که دختران بیشتر از پسران به خودشان و به خانواده اتکا دارند، پسران بیشتر از دختران، شخصیت‌های علمی، مذهبی، دوستان و... را الگوی زندگی خویش قرار می‌دهند.

غلبه معیارهای فرامادی برای ازدواج

مهم‌ترین معیارهای فرد برای ازدواج یکی از متغیرهای نشان‌دهنده ارزش‌ها و نگرش‌هاست. در این پژوهش، تنها ۱۰ درصد دانشجویان مورد مطالعه به معیارهای مادی (امکانات مالی، زیبایی، داشتن خانه و ماشین و...) و ۹۰ درصد آنها به ویژگی‌های فرامادی (اخلاق، ایمان و اعتقادات، مسئولیت‌پذیری، نجابت و...) اهمیت داده‌اند. شایان توجه است هر چند پسران گرایش بیشتری به معیارهای مادی نشان داده‌اند، اما معیارهای ازدواج دانشجویان دختر و پسر با یکدیگر تفاوت معناداری نداشته است.

تعهد و پایبندی دینی بیشتر دانشجویان دختر

تحلیل یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد میزان دینداری سه‌چهارم دانشجویان مورد مطالعه زیاد و دینداری یک‌چهارم آنان کم بوده است. به عبارت دیگر غالب دانشجویان مورد بررسی به میزان زیادی به امور و احکام دینی معتقد و پایبند بوده‌اند. همچنین دختران و پسران به لحاظ اعتقادات و پایبندی دینی با یکدیگر تفاوت قابل توجهی دارند و با اطمینان ۹۸ درصد می‌توان اظهار کرد در خوابگاه‌های مورد مطالعه، دانشجویان دختر از اعتقادات و پایبندی‌های دینی بیشتری برخوردارند.

اهمیت زیاد امکانات مادی زندگی

این متغیر هم نمایانگر میزان مادی‌گرایی و هم یکی از متغیرهای نشان‌دهنده ارزش‌ها و نگرش‌هاست. توزیع نسبی پاسخ‌های دانشجویان گویای اهمیت زیاد برخورداری از این امکانات نزد غالب آنهاست؛ به طوری که بیش از ۸۰ درصد دانشجویان داشتن این وسایل را تا اندازه زیادی ضروری دانسته‌اند. تنها ۱۶ درصد آنها برای برخورداری از این امکانات اهمیت چندانی قائل نشده‌اند. دیدگاه پاسخگویان زن و مرد نسبت به ضرورت برخورداری از وسایل



مدرن، تفاوت قابل توجه و معناداری نداشته است.

تفاوت در مهم‌ترین آرزوها

مهم‌ترین آرزوهای دانشجویان مورد بررسی در مقولات دینی و معنوی، سلامتی فردی و خانوادگی خلاصه می‌شود. شایان توجه است آرزوهای دانشجویان دختر و پسر ساکن خوابگاه با یکدیگر تفاوت بارزی دارد. آرزوهای پسران در مقوله رشد مادی دو برابر دختران است. همچنین دختران دو برابر بیشتر از پسران به سعادت خانوادگی می‌اندیشند و به رشد فرهنگی، روانی و معنوی، اهمیت بیشتری می‌دهند و آرزوهای دگرخواهانه نیز در آنان بیشتر است. این تفاوت‌ها به لحاظ آماری معنادار است و می‌توان آن را به جامعه آماری تعمیم داد. به طور خلاصه غالب پسران در آرزوی رشد مادی و غالب دختران در آرزوی سعادت خانوادگی و رشد روانی و معنوی بوده‌اند.

مهم‌ترین عامل خوشبختی

مهم‌ترین عامل خوشبختی از نظر دختران سلامت و از نظر پسران برخورداری از امکانات مادی بوده است. یکی از سنجه‌های ارزش‌ها و نگرش‌ها، نگرش فرد به مهم‌ترین عامل خوشبختی است. از نظر شمار قابل توجهی (قریب به نیمی) از دانشجویان، پابندی دینی و مذهبی مهم‌ترین عامل خوشبختی است. یک‌چهارم دانشجویان، زندگی سالم و پرنشاط و یک‌پنجم آنها، امکانات مادی و ۱۶ درصد نیز سلامتی را مهم‌ترین عامل خوشبختی برشمرده‌اند. در مجموع می‌توان گفت اکثریت دانشجویان دین و معنویت را عامل خوشبختی دانسته‌اند و تنها ۱۸ درصد آنها خوشبختی را در برخورداری از امکانات مادی ذکر کرده‌اند. به لحاظ نگرش به عامل خوشبختی هرچند دختران برای برخورداری از سلامت و پسران برای برخورداری از امکانات مادی اهمیت بیشتری قائل شده‌اند اما به سبب مشابهت دیدگاه آنها در دو مقوله دیگر، این تفاوت‌ها معنادار و قابل اعتنا نیست.

غالب بودن سبک خرید کاربردی در دانشجویان دختر و پسر

برای آگاهی از سبک زندگی دانشجویان و سنجش ارتباط آن با چگونگی گذران اوقات فراغت، معیارهای مهم آنها را در خرید پوشاک جویا شده‌ایم. یافته‌های ما حاکی از آن است که سبک خرید مُدگرایانه بین دانشجویان طرفدار ندارد. جالب توجه آنکه دانشجویان دختر و پسر در این خصوص مشابه یکدیگر بوده و سبک خرید آنان تفاوت معناداری ندارد.



اهمیت زیاد مدیریت بدن در نظر دانشجویان

یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی، مدیریت بدن است. مطالعه پاسخگویان از نظر روش‌های مراقبت از بدن، حاکی از آن است که این امور برای اکثریت قاطع پاسخگویان از اهمیت بالایی برخوردار است. چنانکه داده‌های جدول زیر نشان می‌دهد، توجه به مواردی از قبیل آراستگی لباس، مو، صورت و تناسب اندام، برای بیش از نیمی از دانشجویان مهم و از نظر یک‌سوم آنان بسیار مهم است. شایان توجه است به لحاظ نگرش به مدیریت بدن، بین دختران و پسران دانشجویی تفاوتی وجود نداشته است.

نگرش به روابط آزاد بین دو جنس

بیشتر دانشجویان با روابط آزاد بین دو جنس مخالف بوده‌اند. داده‌ها نشان می‌دهد دوسوم آنان با چنین روابطی مخالفند و تنها یک‌سوم آنها ارتباط آزادانه بین دو جنس را مجاز دانسته و با آن اظهار موافقت کرده‌اند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد هرچند دختران دانشجویی بیشتر از پسران با رابطه آزاد بین دو جنس مخالفت کرده‌اند و موافقت پسران با این روابط قدری بیشتر از دختران بوده اما این نتیجه منحصر به دانشجویان نمونه است و نمی‌توان آن را به جامعه آماری تعمیم داد.

آزادی‌گرایی در رفتارهای اجتماعی

در مجموع غالب دانشجویان معتقدند اعمال نظارت نسبی بر رفتارهای اجتماعی مردم ضروری است. بر اساس یافته‌های پژوهش، بیش از ۸۰ درصد دانشجویان مورد مطالعه معتقدند در رفتارهای اجتماعی از قبیل نحوه لباس پوشیدن، برگزاری جشن‌های مختلط، گوش دادن به موسیقی، تماشای فیلم و ماهواره و استفاده از اینترنت نباید مردم را کاملاً آزاد گذاشت. بین دانشجویان پسر و دختر از این نظر تفاوت وجود دارد و دختران بیشتر از پسران (۲۰ درصد در مقابل ۱۲ درصد) به آزادی رفتارهای اجتماعی گرایش دارند. در مجموع می‌توان گفت آزادی‌گرایی در رفتارهای اجتماعی در دختران دانشجویی بیشتر از پسران دانشجویی است و این گرایش احتمالاً ناشی از محدودیت‌هایی است که در فرهنگ و جامعه ما برای دختران وجود دارد. این تفاوت معنادار است یعنی در جامعه آماری نیز وجود دارد.

برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت

نیمی از دانشجویان مورد مطالعه گفته‌اند برای اوقات فراغت خود برنامه‌ریزی خاصی نمی‌کنند، به این ترتیب تقریباً نیمی از دانشجویان مورد بررسی، اوقات فراغت را کم‌وبیش طبق برنامه



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۷۶

دوره چهارم
شماره ۱
بهار ۱۳۹۰



مشخصی سپری می‌کنند و نیم دیگر برنامه‌ریزی خاصی برای این اوقات ندارند. از این نظر بین دانشجویان پسر و دختر تفاوت معناداری وجود ندارد.

پُر استفاده‌ترین امکانات فراغتی خوابگاه

از میان امکانات فراغتی خوابگاه بیشترین استفاده دانشجویان مربوط به محوطه خوابگاه است که سه‌چهارم دانشجویان گفته‌اند از آن استفاده می‌کنند. پس از آن، استفاده از سایت کامپیوتر، سالن مطالعه، سالن ورزشی و سالن تلویزیون بیشترین موارد ذکر شده هستند. مجتمع فرهنگی دانشگاه و جهاد دانشگاهی نیز کم‌استفاده‌ترین امکانات فراغتی بوده و در مراتب آخر قرار دارند؛ خلاصه آنکه محوطه خوابگاه، سایت کامپیوتر و سالن مطالعه پُر استفاده‌ترین امکانات فراغتی خوابگاه بوده‌اند.

استفاده محدود از امکانات فراغتی خوابگاه به‌ویژه در میان دختران

از مجموع امکانات فراغتی مورد استفاده توسط پاسخگویان، شاخص میزان استفاده از امکانات فراغتی خوابگاه ساخته شده است. در مجموع حدود چهارپنجم دانشجویان، استفاده کم و یک‌پنجم آنها استفاده زیادی از این امکانات می‌کنند و به طور کلی میزان استفاده دانشجویان پسر از این امکانات بیشتر از دختران است.

نارضایتی دانشجویان خوابگاه از اوقات فراغت خود

از بررسی رضایت کلی پاسخگویان از نحوه گذران اوقات فراغت‌شان مشخص شد که در مجموع ۵۴ درصد آنان ناراضی و ۴۶ درصد راضی‌اند. به این ترتیب نارضایتی از اوقات فراغت بیشتر از رضامندی است. آماره‌ها نشان می‌دهد به لحاظ میزان رضایت از اوقات فراغت بین دانشجویان دختر و پسر تفاوتی وجود ندارد.

محدودیت امکانات تفریحی و مشکلات مالی مهم‌ترین دلایل نارضایتی از فراغت

بررسی دلایل نارضایتی دانشجویان از نحوه گذران اوقات خود نشان داد که محرومیت از امکانات تفریحی و در دسترس نبودن این امکانات مهم‌ترین عامل نارضایتی اکثر پاسخگویان است. قریب به دوسوم پاسخگویان عدم دسترسی به امکانات تفریحی (نبود امکانات، دور بودن مراکز تفریحی، کیفیت پایین و محدودیت امکانات تفریحی و...) را به‌عنوان دلیل نارضایتی خود مطرح کرده‌اند. مشکلات مالی و بی‌پولی در مرتبه دوم عنوان شده است، به‌طوری‌که ۲۳ درصد پاسخگویان، به این موضوع اشاره کرده‌اند. این تفاوت‌ها معنادار است. مقایسه دلایل نارضایتی دانشجویان زن و مرد نشان می‌دهد محرومیت از امکانات تفریحی در دختران و محدودیت‌های مالی در پسران بیشتر بوده است.

بیشتر بودن مشکلات فراغتی دانشجویان دختر

مسائل و مشکلات دانشجویان در زمینه اوقات فراغت را از آنان جویا شده‌ایم. یک‌سوم آنها به در دسترس نبودن امکانات تفریحی مورد علاقه، یک‌چهارم به مشکلات مالی، ۲۰ درصد به عدم برنامه‌ریزی خودشان و شمار کمی نیز به محدودیت زمانی و مشغله‌های تحصیلی و شغلی خود اشاره کرده‌اند. ۱۲/۴ درصد پاسخگویان نیز اظهار کرده‌اند مشکل خاصی در این رابطه ندارند.

اما دختران و پسران دانشجویی به لحاظ مشکلات فراغتی تفاوت قابل توجه و معناداری دارند. همچنین مقوله عدم برنامه‌ریزی و استفاده بهینه از وقت در دختران و مقوله محدودیت زمانی و نداشتن اوقات فراغت در پسران، فراوانی نسبی بیشتری دارد.

اوقات فراغت آرمانی

به طور کلی آرمان پسران فایده‌بخشی و آرمان دختران رضایت‌بخشی فراغت است. پاسخ‌های دانشجویان در خصوص اوقات فراغت آرمانی نشان می‌دهد بیش از یک‌سوم آنها معتقدند اوقات فراغتی ایدئال است که در راستای انجام کارهای مفید و مثمر صرف شود و انرژی لازم برای کارهای روزمره را تأمین کند و یک‌سوم دیگر نیز فراغتی را ایدئال می‌دانند که صرف کارهای مورد علاقه شود و ایجاد رضایت و شادابی کند و برای سایر دانشجویان، فراغت آرمانی، فراغتی است که سبب آرامش و رفع خستگی شود.

هرچند میان دیدگاه دانشجویان پسر و دختر مورد مطالعه در مورد اوقات فراغت آرمانی تفاوت‌هایی وجود دارد و درحالی‌که پسران به آثار مثبت و فایده‌بخشی اوقات فراغت اهمیت بیشتری می‌دهند، دختران بیشتر بر رضایت‌بخشی و مورد علاقه بودن اوقات فراغت تأکید دارند، اما این تفاوت معنادار و در نتیجه قابل تعمیم به جامعه آماری نیست.

تحلیل عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر گزینش‌های فراغتی دانشجویان

بر اساس مطالعات نظری و پژوهش‌های پیشین، نحوه گذران اوقات فراغت فرد از طرفی با عوامل فردی چون جنسیت، ارزش‌ها و نگرش‌ها و میزان پایبندی به دین و از طرف دیگر با عوامل فرهنگی و ساختاری چون برداشت فرد از فراغت، سبک زندگی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی ارتباط دارد.

برای آگاهی از عوامل مؤثر بر میزان و نحوه گذران فراغت از جدول‌های تقاطعی و





آزمون‌های همبستگی استفاده کرده‌ایم و از آنجاکه شناخت تفاوت دانشجویان پسر و دختر به لحاظ امکانات و نحوه گذران فراغت، یکی از اهداف اصلی پژوهش بوده، متغیر جنسیت را به‌عنوان متغیر مداخله‌گر در همه جداول تقاطعی وارد و تأثیر آن را بررسی و تحلیل کرده‌ایم تا به تفاوت‌ها و شباهت‌های اوقات فراغت دختران و پسران دانشجوی پی ببریم. نظر به تعداد زیاد جداول تقاطعی و حجم زیاد داده‌های این جداول، تنها برخی از جداول که مهم‌تر به نظر می‌رسد در این بخش آورده شده و در سایر موارد تنها نتیجه تجزیه و تحلیل داده‌ها در متن ارائه شده است.

تأثیر مفهوم اوقات فراغت بر شیوه گذران اوقات فراغت

توزیع داده‌های جدول تقاطعی این دو متغیر نشان می‌دهد هیچ‌کدام از پاسخگويانی که فراغت را به معنای زمان انجام اموری که موجب رشد انسان شود تعریف کرده‌اند، تمایلی به امور منفعلانه ندارند. همچنین پاسخگويانی که فراغت را با سرگرمی و تفریح مترادف دانسته‌اند نیز تمایلی به امور منفعلانه نشان نداده‌اند اما تفاوت در اینجاست که آنها به فراغت‌های کاملاً فعال نیز تمایلی نداشته‌اند. روند توزیع داده‌ها نشان می‌دهد دانشجویانی که فراغت را به معنای سرگرمی و استراحت می‌دانند، به گذران منفعلانه اوقات فراغت تمایل بیشتری دارند. ورود متغیر جنسیت تأثیر قابل توجه و معناداری در این رابطه ایجاد نکرده است.

تأثیر نگرش به خوشبختی بر شیوه گذران اوقات فراغت

تلقی پاسخگويان از خوشبختی و عوامل تأمین‌کننده آن با شیوه گذران اوقات فراغت، همبستگی نسبتاً پایین اما معناداری دارد. دوسوم پاسخگويانی که عوامل مادی را مایه خوشبختی می‌دانند ترجیح می‌دهند اوقات فراغت خود را به صورت منفعل بگذرانند. از سوی دیگر بیشتر پاسخگويانی که خوشبختی را در «زندگی سالم و پُرنشاط» و توجه به «امور دینی و معنوی» می‌دانند، اوقات فراغت فعال و پُرتلاش را می‌پسندند. تأثیر نگرش به عامل خوشبختی بر شیوه گذران فراغت مردان بیشتر از زنان است.

بررسی شیوه گذران اوقات فراغت برحسب نگرش به معیارهای ازدواج

با اینکه شیوه گذران اوقات فراغت پاسخگويان با توجه به معیارهای آنان برای ازدواج تفاوت معناداری ندارد، اما جدول تقاطعی این دو متغیر نشان می‌دهد درحالی که ۲۰ درصد دانشجویان متمایل به معیارهای کاملاً فرامادی ازدواج، شیوه کاملاً فعال گذران فراغت را ترجیح می‌دهند، هیچ‌یک از دانشجویانی که معیارهای کاملاً مادی برای انتخاب همسر دارند، به این شیوه گذران



فراغت علاقه‌ای ندارند. در مجموع می‌توان گفت شیوه‌های منفعلانه گذران فراغت، در میان دانشجویان متمایل به ملاک‌های مادی طرفدار بیشتری دارد. چنانچه ذکر شد، این نتیجه تنها مختص نمونه مورد مطالعه است و نمی‌توان آن را به کل جامعه آماری نسبت داد. ورود متغیر جنسیت نیز تغییر چندانی در این رابطه ایجاد نکرده است.

رابطه نگرش به اهمیت امکانات مادی با شیوه گذران اوقات فراغت

بین ۵ تا ۹ درصد از دانشجویانی که اهمیت زیادی برای برخورداری از امکانات مادی قائلند، شیوه‌های منفعلانه را جهت گذران اوقات فراغت خود ترجیح می‌دهند. این آمار در پاسخگویی که داشتن امکانات مادی نزد آنان از اهمیت کمی برخوردار است، ۳/۶ درصد است. همچنین پاسخگویی که تمایل آنان به امکانات مادی کم است بیشتر از آنهایی که تمایل زیادی به این امکانات دارند، فراغت‌های فعالانه را می‌پسندند (۲۰ درصد در مقابل ۸ درصد). در مجموع مطالعه ارقام موجود در جدول حاکی از آن است که شیوه‌های فراغتی منفعلانه در میان پاسخگویان مادی‌گرا طرفدار بیشتری دارد. البته این یافته از نظر آماری معنادار نبوده و قابلیت تعمیم به کل جامعه آماری را ندارد.

رابطه نگرش به آزادی رفتارهای اجتماعی با شیوه گذران اوقات فراغت

جدول تقاطعی این دو متغیر بیانگر آن است که دوسوم پاسخگویانی که معتقدند مردم باید در جامعه کاملاً آزاد باشند، به شیوه‌های منفعلانه گذران فراغت و یک‌سوم آنها به شیوه‌های فعال گذران فراغت، تمایل دارند. بنابراین دانشجویانی که خواستار آزادی رفتارهای اجتماعی هستند، تمایل بیشتری به فراغت‌های منفعلانه داشته‌اند. با این حال این رابطه تنها در مورد افراد نمونه صدق می‌کند و نمی‌توان آن را به جامعه آماری تعمیم داد. با کنترل متغیر جنسیت نیز تفاوت قابل توجهی در شدت و معناداری این رابطه ایجاد نشده است.

بررسی مفهوم اوقات فراغت برحسب مادی‌گرایی

نیمی از پاسخگویانی که گرایش آنان به امکانات مادی کم است، اوقات فراغت را زمان انجام کارهایی تعریف کرده‌اند که موجبات رشد انسان را فراهم کند و فقط ۲/۴ درصد افرادی که اهمیت زیادی به امکانات مادی می‌دهند، فراغت را مترادف رشد دانسته‌اند. مطالعه ارقام دیگر جدول نیز بیانگر آن است که با افزایش مادی‌گرایی، نگاه به اوقات فراغت نیز مادی‌تر (امور منفعل و سرگرمی‌ها) شده است. این یافته را می‌توان در جامعه آماری نیز صادق دانست. با ورود متغیر جنسیت این رابطه در مردان قوی‌تر شده اما در زنان، هم شدت آن کاهش یافته و

هم معناداری خود را از دست داده است. به عبارت دیگر مادی گرایی بر شیوه گذران فراغت مردان تأثیر بیشتری دارد.

لطفاً آماره های جداول زیر را که جهتش به هم ریخته را اساس فایل ارسالی قبلی تصحیح کنید

جدول های دوبعدی شماره ۱. مفهوم اوقات فراغت بر حسب مادی گرایی

مادی گرایی	کم	نسبتاً کم	نسبتاً زیاد	زیاد
مفهوم فراغت	درصد	درصد	درصد	درصد
تفریح و سرگرمی	۰	۷/۱	۳/۳	۶
انجام کار دلخواه	۰	۴۶/۴	۲۷/۵	۲۷/۴
استراحت	۱۶/۷	۱۰/۷	۲۷/۵	۳۲/۱
آرامش	۳۳/۳	۳۲/۱	۳۵/۲	۳۲/۱
رشد	۵۰	۳/۶	۶/۶	۲/۴
جمع کل	۶	۲۸	۹۱	۸۴

$$\chi^2 = 32/51 = 0/23 = V \text{ کرامر } \text{sig} = 0/00$$

	مرد				زن			
	زیاد	نسبتاً زیاد	نسبتاً کم	کم	زیاد	نسبتاً زیاد	نسبتاً کم	کم
تفریح و سرگرمی	۶/۸	۰	۸/۳	۰	۵	۷	۶/۳	۰
انجام کار دلخواه	۳۶/۴	۲۲/۹	۱۶/۷	۰	۳۵	۳۲/۶	۵۰	۰
استراحت	۳۴/۱	۴۷/۹	۳۳/۳	۵۰	۲۷/۵	۳۲/۶	۶/۳	۵۰
آرامش	۳۶/۴	۲۲/۹	۱۶/۷	۰	۳۰	۲۰/۹	۳۱/۳	۰
رشد	۳۴/۱	۴۷/۹	۳۳/۳	۵۰	۲/۵	۷	۶/۳	۵۰
جمع کل	۲/۳	۶/۳	۰	۵۰	۴۰	۴۳	۱۶	۲
آماره	$\chi^2 = 27/03 = 0/29 = \text{sig} = 0/00$				$\chi^2 = 14/2 = 0/28 = \text{sig} = 0/22$			

ارتباط چگونگی گذران فراغت با نگرش به مدیریت بدن

ارقام جدول تقاطعی این دو متغیر بیانگر آن است که پاسخگويانی که نگرش سنتی به بدن دارند و اهمیت کمتری به مدیریت بدن خود می دهند به شیوه های منفعلانه گذران فراغت گرایش بیشتری دارند. این وضعیت در مورد پاسخگويان پسر مشهودتر است. با این همه، نتیجه مذکور به لحاظ آماری معنادار نیست و نمی توان آن را به کل جامعه آماری پژوهش تعمیم داد.

ارتباط شیوه گذران اوقات فراغت با سبک خرید و مصرف

تمایلات فراغتی پاسخگويان با سبک خرید آنان در پوشاک، همبستگی نسبتاً ضعیف اما



معناداری را نشان داده است. تفاوت مزبور حاکی از آن است که تمایل دانشجویان دارای سبک خرید کاربردگرا به فراغت‌های فعال، بیشتر از دانشجویان دارای سبک خرید مدگرا و سبک خرید بینابین است. تأثیر سبک خرید بر شیوه گذران فراغت مردان بیشتر از زنان است.

جدول‌های دوبعدی شماره ۲. بررسی شیوه گذران اوقات فراغت پاسخگویان برحسب سبک خرید و مصرف

سبک خرید	کاربردگرا	بینابین	مدگرا
شیوه فراغت	درصد	درصد	درصد
منفعلا نه	۰	۹/۷	۰
نسبتاً منفعلا نه	۳۴/۸	۴۶	۴۲/۹
نسبتاً فعال	۵۰	۳۵/۸	۵۷/۱
فعال	۱۵/۲	۸/۵	۰
جمع کل	۴۶	۱۷۶	۷

$$/۰۰۰۷ = \text{sig} \quad -۰/۱۱۲ = \text{tau. c}$$

	مرد			زن		
	مدگرا	بینابین	کاربردگرا	مدگرا	بینابین	کاربردگرا
منفعلا نه	۰	۹/۲	۰	۰	۱۰/۱	۰
نسبتاً منفعلا نه	۲۵	۵۵/۲	۲۹/۲	۶۶/۷	۳۷/۱	۴۰/۹
نسبتاً فعال	۷۵	۲۹/۹	۵۰	۳۳/۳	۴۱/۶	۵۰
فعال	۰	۵/۷	۲۰/۸	۰	۱۱/۲	۹/۱
جمع کل	۴	۸۷	۲۴	۳	۸۹	۲۲
آماره	$۰/۰۲۱ = \text{sig}/۲۵ \quad - = V = ۱۴/X^۸$			$۰/۶۷۹ = \text{sig} \quad ۰/۱۳ \quad - = V = ۳/۹۸ X^۲$		

ارتباط شیوه گذران اوقات فراغت با آرمان‌ها و آرزوهای افراد

تمایلات فراغتی پاسخگویان برحسب انواع آرزوهای آنان تفاوت قابل توجه و معناداری نشان نداده است اما ورود متغیر جنسیت سبب افزایش شدت و معناداری این رابطه در مردان شده است.

ارتباط شیوه گذران اوقات فراغت با رضایت از فراغت

شیوه گذران اوقات فراغت دانشجویان با رضایت آنان از این اوقات همبستگی نسبتاً ضعیف اما معناداری دارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت دانشجویان علاقه‌مند به فراغت‌های فعالانه، رضایت بیشتری از اوقات فراغت خود دارند. بررسی این رابطه به تفکیک جنس نشان می‌دهد رابطه رضایت از فراغت و شیوه گذران فراغت در دانشجویان پسر به مراتب قوی‌تر از دانشجویان دختر است.



تأثیر برنامه‌ریزی برای فراغت بر شیوه گذران اوقات فراغت

شیوه گذران فراغت پاسخگویان از نحوه برنامه‌ریزی آنان برای اوقات فراغت تأثیر می‌پذیرد و این تأثیر به لحاظ آماری نیز معنادار است. همان‌طور که داده‌ها و آماره‌های جدول زیر نشان می‌دهد دانشجویانی که برای اوقات فراغت خود برنامه‌ریزی می‌کنند بیشتر از کسانی که هیچ برنامه‌ریزی ندارند، به فراغت‌های فعالانه‌تر گرایش دارند. ورود متغیر جنسیت به این رابطه تفاوت چندانی در شدت همبستگی و معناداری رابطه ایجاد نکرده است. به عبارت دیگر برنامه‌ریزی اوقات فراغت بر شیوه گذران فراغت دختران و پسران تأثیر نسبتاً یکسانی برجای می‌گذارد.

جدول‌های دوبعدی شماره ۳. بررسی شیوه گذران اوقات فراغت پاسخگویان برحسب برنامه‌ریزی برای فراغت

برنامه‌ریزی فراغت	بلی	خیر
شیوه گذران فراغت	درصد	درصد
منفعلا نه	۳/۶	۱۱/۵
نسبتاً منفعلا نه	۳۹/۶	۴۸/۷
نسبتاً فعال	۴۱/۴	۳۵/۴
فعال	۱۵/۳	۴/۴
جمع کل	۱۱۱	۱۱۳



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۸۳

فراغت و ارزش‌های فرهنگی

$$0.005 = \text{sig}$$

$$0.240 = V$$

$$12.934 = X^2$$

مرد		زن		منفعلا نه
خیر	بلی	خیر	بلی	
۱۰/۷	۳/۴	۱۲/۳	۳/۸	منفعلا نه
۵۱/۸	۴۶/۶	۴۵/۶	۳۲/۱	نسبتاً منفعلا نه
۳۵/۷	۳۴/۵	۳۵/۱	۴۹/۱	نسبتاً فعال
۱/۸	۱۵/۵	۷	۱۵/۱	فعال
۵۸	۵۶	۵۷	۵۳	جمع کل
0.038 = sig 0.27 = V = 11.44 = X ²		0.084 = sig 0.25 = V = 7.64 = X ²		آماره

تأثیر پایبندی دینی بر برداشت دانشجویان از اوقات فراغت

بر اساس یافته‌ها، پایبندی دینی، با مفهوم دانشجویان از فراغت ارتباط دارد. هرچند این رابطه چندانی قوی نیست اما معنادار است. برای مثال ۷۰ درصد دانشجویانی که پایبندی دینی کمی داشته‌اند، فراغت را انجام کارهای مورد علاقه و مورد پسند معنا کرده‌اند. در حالی که ۳۱ درصد افراد برخوردار از پایبندی دینی بالا، این تعریف را به کار برده‌اند. از طرف دیگر قریب به ۴۴ درصد دانشجویان برخوردار از پایبندی دینی زیاد، فراغت را اموری که سبب رشد و آرامش می‌شود، معنا کرده‌اند.

جدول‌های دوبعدی شماره ۴. بررسی مفهوم فراغت اوقات فراغت برحسب میزان پایبندی دینی

دینداری	کم	نسبتاً کم	نسبتاً زیاد	زیاد
مفهوم فراغت	درصد	درصد	درصد	درصد
تفریح و سرگرمی	۰	۴/۲	۵/۷	۶/۳
انجام کارهای دلخواه	۷۰	۲۵	۲۵/۲	۳۱/۳
استراحت	۱۰	۳۳/۳	۲۸/۵	۱۸/۸
آرامش	۱۰	۳۵/۴	۳۷/۴	۳۱/۳
رشد	۱۰	۲/۱	۳/۳	۱۲/۵
جمع کل	۱۰	۴۸	۱۲۳	۳۲

$$0/10 \epsilon = \text{sig}$$

$$0/170 = V \text{ کرامر}$$

$$18/408 = X^2$$

مرد				زن				
زیاد	نسبتاً زیاد	نسبتاً کم	کم	زیاد	نسبتاً زیاد	نسبتاً کم	کم	
۰	۴/۲	۷/۱	۰	۹/۱	۷/۷	۰	۰	تفریح و سرگرمی
۱۰	۱۹/۷	۲۱/۴	۶۲/۵	۴۰/۹	۳۲/۷	۳۰	۱۰۰	انجام کار دلخواه
۴۰	۲۸/۲	۳۲/۱	۱۲/۵	۹/۱	۲۸/۸	۳۵	۰	استراحت
۵۰	۴۳/۷	۳۹/۳	۱۲/۵	۲۲/۷	۲۸/۸	۳۰	۰	آرامش
۰	۴/۲	۰	۱۲/۵	۱۸/۲	۱/۹	۵	۰	رشد
۱۰	۷۱	۲۸	۸	۲۲	۵۲	۲۰	۲	جمع کل
$0/264 = \text{sig}/204 = V = 14/09 X^2$				$0/189 = \text{sig}/236 = V = 16/05 X^2$				آماره



نتیجه‌گیری

یافته‌های ما نشان می‌دهد فراغت از نظر غالب دانشجویان یعنی زمانی برای انجام کارهای دلخواه، استراحت و کسب آرامش. با این حال، بیشتر دختران فراغت را زمانی برای انجام امور دلخواه و بیشتر پسران فراغت را زمانی برای کسب آرامش دانسته‌اند. میانگین فراغت دانشجویان پسر و دختر یکسان و حدود ۳ ساعت در روز بوده است.

در گذران اوقات فراغت، بیشتر دانشجویان دختر به شیوه‌های فعالانه و خلاقانه و بیشتر دانشجویان پسر به شیوه‌های سرگرمی خواهانه گرایش دارند.

هزینه ماهانه اوقات فراغت پسران بیشتر از دختران بوده و به لحاظ گروه مرجع، بین دانشجویان دختر و پسر خوابگاهی تفاوت قابل توجهی وجود دارد. دختران بیشتر از پسران به خودشان و به خانواده اتکا دارند. برعکس پسران بیشتر از دختران شخصیت‌های علمی، مذهبی، دوستان و... الگوی زندگی خویش قرار می‌دهند. همچنین میزان پایبندی دینی سه‌چهارم



دانشجویان مورد مطالعه زیاد و نسبتاً زیاد بوده و دختران و پسران به لحاظ اعتقادات و پایبندی دینی با یکدیگر تفاوت قابل توجهی دارند؛ به عبارت دیگر در خوابگاه‌های مورد مطالعه، دانشجویان دختر از اعتقادات و پایبندی‌های دینی بیشتری برخوردارند.

شایان توجه است آرزوهای دانشجویان دختر و پسر ساکن خوابگاه با یکدیگر تفاوت بارزی دارد. آرزوهای پسران در مقوله رشد مادی دوبرابر دختران است. همچنین دختران دوبرابر بیشتر از پسران به سعادت خانوادگی می‌اندیشند و به رشد فرهنگی، روانی و معنوی، اهمیت بیشتری می‌دهند و آرزوهای دگرخواهانه نیز در آنان بیشتر است.

اکثریت دانشجویان دین و معنویت را عامل خوشبختی دانسته‌اند و تنها یک‌پنجم آنها خوشبختی را در برخوردارگی از امکانات مادی ذکر کرده‌اند. همچنین بیشتر دانشجویان دارای سبک خرید کاربردی بوده و به مدیریت بدن خود اهمیت زیادی می‌دهند.

هرچند غالب دانشجویان مورد مطالعه آزادی کامل و بی‌قید و شرط در رفتارهای اجتماعی را نمی‌پسندند اما در مجموع می‌توان گفت گرایش به آزادی رفتارهای اجتماعی در دختران دانشجوی بیشتر از پسران بوده و این گرایش احتمالاً ناشی از محدودیت‌هایی است که در فرهنگ و جامعه ما برای دختران وجود دارد.

پُر استفاده‌ترین امکانات فراغتی خوابگاه، محوطه خوابگاه، سایت کامپیوتر و سالن مطالعه ذکر شده و به طور کلی میزان استفاده دانشجویان پسر از این امکانات، به مراتب بیشتر از دختران است. به علاوه بیش از نیمی از دانشجویان از نحوه گذران اوقات فراغت خود ناراضی بوده و محدودیت امکانات تفریحی و مشکلات مالی را مهم‌ترین دلایل نارضایتی خود دانسته‌اند با این حال محرومیت از امکانات تفریحی در دختران و محدودیت‌های مالی در پسران بیشتر ذکر شده و در مجموع دانشجویان دختر با مشکلات فراغتی بیشتری مواجه بوده‌اند.

بر اساس یافته‌ها، شیوه گذران اوقات فراغت دانشجویان از طرفی با برداشت آنان از فراغت، ارزش‌ها و نگرش‌ها، سبک زندگی (سبک خرید و مدیریت بدن)، میزان پایبندی دینی و از طرف دیگر با میزان برنامه‌ریزی آنها برای فراغت ارتباط دارد. به عبارت دیگر دانشجویانی که اوقات فراغت را زمانی برای انجام امور منجر به رشد تعریف کرده‌اند، افرادی که خوشبختی را در «زندگی سالم و پُرنشاط» و توجه به «امور دینی و معنوی» می‌بینند، دانشجویان متمایل به ملاک‌های فرامادی ازدواج و کسائی که دارای آرزوهای معنوی و سبک خرید کاربردگرا هستند، دانشجویانی که برای اوقات فراغت خود برنامه‌ریزی می‌کنند و از پایبندی دینی بالایی برخوردارند، به اوقات فراغت فعالانه و جمعی تمایل بیشتری دارند.



در مقابل، دانشجویانی که فراغت را به معنای سرگرمی و استراحت و عوامل مادی را مایه خوشبختی می‌دانند، افراد متمایل به ملاک‌های مادی ازدواج و افرادی که به امکانات مادی زندگی اهمیت زیادی می‌دهند، همچنین دانشجویانی که به آزادی رفتارهای اجتماعی گرایش دارند، به گذران منفعلانه و فردی اوقات فراغت تمایل بیشتری نشان داده‌اند و دانشجویان دارای سبک خرید مدگرا، آنهایی که اهمیت کمتری به مدیریت بر بدن خود می‌دهند، افرادی که برای فراغت خود برنامه‌ریزی خاصی ندارند و افراد دارای پایبندی دینی کم نیز شیوه منفعلانه و فردی گذران اوقات فراغت را ترجیح می‌دهند.

بر اساس چارچوب نظری انتظار داشتیم اوقات فراغت با سبک زندگی ارتباط داشته باشد و نتایج مطالعه مؤید این ارتباط است. همچنین مطابق چارچوب یادشده، اوقات فراغت صرفاً با جایگاه طبقاتی تبیین نمی‌شود و عوامل فرهنگی و ارزش‌ها و نگرش‌ها در تحلیل آن نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. این تأثیرگذاری هم مستقیم و بی‌واسطه است و هم غیرمستقیم از طریق ایجاد ترجیحات و سلیقه‌های خاص، زیرا ارزش‌ها و نگرش‌ها که عمدتاً در دوران کودکی در درون خانواده‌ها و محیط اجتماعی پیرامون آن فرا گرفته می‌شود به صورت علایق، سلیقه‌ها، خواست‌ها و برداشت‌های مربوط به فراغت، بروز می‌یابد. سلیقه‌ها و علایق مربوط به فراغت، به سلیقه‌ها و علایقی که در فعالیت‌های دیگر بروز می‌کند، بستگی دارد. نتایج پژوهشی ما نیز نشان می‌دهد شیوه گذران اوقات فراغت دانشجویان با برداشت آنان از فراغت، اولویت‌های ارزشی، اهداف فرهنگی و آرزوهای آنها در زمینه‌های گوناگون ارتباط دارد. این یافته‌ها جنبه دیگری از چارچوب نظری پژوهش را که بر اساس آن ارزش‌ها و نگرش‌ها و علایق و علایق برآمده از آنها به یک نظام (منش) تعلق دارند که در جنبه‌های مختلف زندگی روزمره جلوه‌گر می‌شود، تأیید می‌کند.

در کنار عوامل کلی ذکر شده در بالا تأثیر جنسیت در جنبه‌های مختلف فعالیت‌های فراغتی دانشجویان مشاهده و تأیید شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد معنای فراغت در نظر دانشجویان پسر و دختر با هم متفاوت است، بیشتر دختران، فراغت را زمانی برای انجام امور دلخواه و بیشتر پسران فراغت را زمانی برای کسب آرامش دانسته‌اند. از این گذشته در گذران اوقات فراغت، بیشتر دانشجویان دختر به شیوه‌های فعالانه و بیشتر دانشجویان پسر به شیوه‌های سرگرمی‌خواهانه گرایش دارند. علاوه بر این، به لحاظ گروه مرجع بین دانشجویان دختر و پسر خوابگاهی تفاوت قابل توجهی وجود دارد. همچنین دانشجویان دختر از اعتقادات و پایبندی‌های دینی بیشتری برخوردارند، دو برابر پسران به سعادت خانوادگی می‌اندیشند و به رشد فرهنگی،



روانی و معنوی، اهمیت بیشتری می‌دهند و آرزوهای دگرخواهانه در آنان بیشتر است. از طرف دیگر گرایش به آزادی رفتارهای اجتماعی در دختران دانشجو بیشتر از پسران بوده و این گرایش احتمالاً ناشی از محدودیت‌هایی است که در فرهنگ و جامعه ما برای دختران وجود دارد. سخن آخر اینکه به طور کلی میزان استفاده دانشجویان پسر از امکانات فراغتی خوابگاه، به مراتب بیشتر از دختران است و در مجموع دانشجویان دختر به لحاظ فضا و فعالیت‌های فراغتی در دسترس با مشکلات فراغتی بیشتری مواجه بوده‌اند. در نتیجه به سبب جنسیت و نوع تربیتشان اساساً مطالبات فراغتی کمتر و در عین حال گزینه‌های فراغتی محدودتری دارند.

در گذران اوقات فراغت، دختران بیشتر به شیوه‌های فعالانه و پسران بیشتر به شیوه‌های سرگرمی خواهانه گرایش دارند. به طور کلی میزان استفاده دانشجویان پسر از امکانات فراغتی خوابگاه، به مراتب بیشتر از دختران بوده است. بیش از نیمی از دانشجویان از نحوه گذران اوقات فراغت خود ناراضی بوده و مهم‌ترین دلیل نارضایتی آنها محدودیت امکانات تفریحی و مشکلات مالی بوده اما محرومیت از امکانات تفریحی در دختران و محدودیت‌های مالی در پسران بیشتر ذکر شده و در مجموع دانشجویان دختر با مشکلات فراغتی بیشتری مواجه بوده‌اند. همچنین شیوه گذران اوقات فراغت دانشجویان با برداشت آنان از فراغت، ارزش‌ها و نگرش‌ها، سبک زندگی، میزان پایداری دینی و میزان برنامه‌ریزی آنها برای فراغت ارتباط دارد.

از آنجاکه دختران با مشکلات فراغتی بیشتر مواجه بوده و محدودیت امکانات تفریحی را عامل عمده این مشکلات ذکر کرده‌اند و با توجه به گرایش بیشتر دختران به فراغت‌های فعالانه، شایسته است که مسئولان دانشگاه و خوابگاه‌های دانشجویی به ضرورت افزایش فضاها و امکانات فراغتی خاص و کم‌هزینه در خوابگاه و در دانشکده‌ها توجه و در این جهت برنامه‌ریزی کنند زیرا تمایل دختران جوان دانشجو به فراغت‌های فعالانه و برون‌خانگی، نشان‌دهنده دگرگونی ارزش‌ها و سبک زندگی در آنها و اهمیت سلامت و بهداشت جسمی و روانی، سرگرمی و فعالیت‌های فراغتی برون‌خانگی در نظر آنان است. پژوهش‌های اخیر نیز نشان می‌دهد الگوهای اوقات فراغت دختران جوان شهری به‌ویژه در اقشار متوسط از شکل انفعالی و درون‌خانگی به شکل فعالانه و برون‌خانگی میل می‌کند و این موضوع در شهر تهران بیشتر به چشم می‌خورد. اما با محدودیت‌ها و موانعی که امروزه برای حضور دختران در غالب فضاهای عمومی شهری وجود دارد به نظر می‌رسد فراغت این قشر می‌تواند به مکان‌های سرپسته‌ای کشانده شود که پیامدهای منفی بیشتری در پی دارد و در این راستا سیاست‌های فرهنگی معطوف به افزایش

فضاها و امکانات فراغتی خاص دختران در دانشگاه می‌تواند رشد فراغت‌های فعال و خلاقانه را در دختران جوان دانشجو بارور سازد (رفعت‌جاه، ۱۳۸۶: ۸ و ۹).

همچنین ایجاد امکانات و تسهیلات و سالن‌های ورزشی بیشتر در دانشکده‌ها و در خوابگاه، گام مؤثری خواهد بود در جهت سوق دادن دانشجویان پسر به فراغت‌های فعالانه و توأم با تفریح که هم برنامه‌ریزی هفتگی برای آن امکان‌پذیر است و هم هزینه‌چندانی برای دانشجویان در بر ندارد.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۸۸

دوره چهارم
شماره ۱
بهار ۱۳۹۰

منابع

- اشرف الکتابی، م. (۱۳۷۹) بررسی تغییرات نحوه گذران اوقات فراغت در خانواده‌های شهر تهران طی سه نسل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- انصاری مهابادی، ف. (۱۳۸۲) اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی، نمونه موردی دو دبیرستان دخترانه شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- تور کیلدسن، ج. (۱۳۸۲) اوقات فراغت و نیازهای مردم، مترجم: عباس اردکانیان، تهران: انتشارات نوربخش.
- جنکینز (۱۳۸۵) پی‌یر بوردیو، مترجم: لیلا جوهرافشانی و حسن چاوشیا، تهران: نشر نی.
- دبیرخانه شورای عالی جوانان (۱۳۷۴) چگونگی گذران اوقات فراغت جوانان، تهران: انتشارات اهل قلم.
- دومازدیه، ژ. (۱۳۵۲) «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی فراغت»، علی اسدی، فرهنگ و زندگی، شماره ۱۲، صص - دومازیه، ژ. (۱۳۵۲) «زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه‌شناسانه»، مترجم: م، آدینه، فرهنگ و زندگی، شماره ۱۲، صص ۲۳-۱۳.
- رفعت‌جاه، م. (۱۳۸۶) «جنسیت و اوقات فراغت»، سمینار معماری کلان اوقات فراغت در تهران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۵) درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، جلد دوم، تهران: انتشارات کیهان.
- سعیدی، ع. (۱۳۸۷)، مطالعه الگوهای فراغتی دانشجویان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- (۱۳۸۳) «تحول مفهوم فراغت»، فصلنامه مطالعات جوانان، شماره ۶، صص ۱۴۵-۱۷۱.
- سلگی، م.، صادق‌پور و همکاران، ب. (۱۳۸۲) بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان، پژوهش و تحقیق سازمان ملی جوانان، گزارش ملی جوانان، تهران: انتشارات اهل قلم.
- شفیعی، س. (۱۳۸۳) میزان رضامندی زنان از چگونگی گذران اوقات فراغت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شکوری، ع. (۱۳۸۵) تمایزپذیری و هویت اجتماعی مبتنی بر مصرف، مطالعه موردی شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- شهیدی زندی، م. (۱۳۸۶) تبیین جامعه‌شناختی فعالیت‌های فراغتی دختران جوان دانشجوی با تأکید بر عوامل آسیب‌شناختی آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات زنان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- فکوهی، ن.، انصاری مهابادی، ف. (۱۳۸۲) «اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی نامه انسان‌شناسی، دوره اول، شماره چهارم، صص -



کاظمی، ع. (۱۳۸۷) بررسی سبک‌های زندگی فراغتی در میان دانشجویان و عوامل همبسته با آن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.

کوهستانی، ح.، خلیل‌زاده، ع. (۱۳۷۸) پژوهشی در اوقات فراغت و راه‌های بهره‌وری از آن، چاپ اول، مشهد: نشر تیهو.

نجم عراقی، ل. (۱۳۸۴) «جایگاه جنسیت در دنیای فراغت»، روزنامه شرق، ۲۵ تیر ماه ۱۳۸۴، صفحه ۲۱.

نوابی‌نژاد، ش. (۱۳۷۹) رفتارهای بهنجار و ناهنجار جوانان و راه‌های پیشگیری و درمان، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

هورکهایمر، م. و تئودور آدورنو (۱۳۸۰)، «صنعت فرهنگ‌سازی، روشنگری به مثابه فریب توده‌ای»، مترجم: مراد فرهادپور، فصلنامه ارغنون، شماره ۱۸، صص ۳۵-۸۴.

هی وود، لس و همکاران (۱۳۸۰) اوقات فراغت، مترجم: محمد احسانی، تهران: نشر امید دانش.

وبلن، ت. (۱۳۸۳)، نظریه طبقه مرفه، مترجم: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.

Furlong, A. & Cartmel (1997) *Leisure and Lifestyle in Young People and Social Chang*, USA: Open University Press.

Green, (ed) (1990) *Womens Leisure, Whats Leisure*, London: Macmillan Press.

Hargreaves, J (1989) *The Promise and Problems of Womens Leisure and Sprot, Leisure for Leisure*, London: venture publishing: State Collage.

Rojeck, Ch. (2005) *Leisure Theory*, London: Palgrave.

Seanle, Mark S. el al. (2000) "Is Leisure Theory Needed for Leisure Studies?", *Journal of Leisure Research*, Vol. 32 (1): 138-142.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۹۰

دوره چهارم
شماره ۱
بهار ۱۳۹۰